

روش استنباط علمی از آیات پزشکی قرآن

محمدعلی رضایی اصفهانی

چکیده

مباحث مربوط به قرآن و علوم تجربی سابقه‌ای هزار ساله دارد که گاهی تحت عنوان استخراج علوم از قرآن، تفسیر علمی قرآن یا روش برداشت علمی از قرآن خوانده می‌شود و در طول تاریخ، تفسیر با فراز و نشیب‌هایی مورد توجه مفسران و دانشمندان اسلامی و حتی غیرمسلمان بوده است. این مبحث از طرفی به تفسیر و از طرف دیگر به اعجاز علمی قرآن و از طرف سوم به علوم تجربی مرتبط است. از این رو، از مباحث بین رشته‌ای و پایه‌ای برای مباحث بین رشته‌ای دیگر مثل قرآن و علوم سیاسی، قرآن و اقتصاد، قرآن و علوم اجتماعی، قرآن و کیهان‌شناسی و... به شمار می‌آید. این روش در طول تاریخ موافقان و مخالفان زیادی پیدا کرده و گاه به افراط و تفریط کشیده شده است. در این مقاله از شیوه معتدل یعنی استخدام علوم در فهم قرآن و شیوه‌های جدید آن، یعنی نظریه‌پردازی‌های علمی بر اساس آیات علمی قرآن بویژه در حوزه علوم انسانی در راستای جهت دهی به علوم انسانی دفاع می‌شود و شیوه‌های دیگر مثل استخراج همه علوم تجربی از قرآن یا تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن رد می‌شود.

واژگان کلیدی: استنباط علمی؛ آیات علمی؛ اعجاز علمی.

الف) مفهوم‌شناسی

عبارت «برداشت یا روش تفسیر علمی» از سه واژه تشکیل شده است. واژه «روش (= برداشت)» به معنای استفاده از منبع خاص در تفسیر است که معانی و مقصود آیه را روشن ساخته و نتایج مشخصی را بدست می‌دهد. در مورد واژه «تفسیر»، تعریف‌های مختلف ارائه شده^۱ که حاصل آنها چنین است: «پرده‌برداری از ابهام کلمه‌ها و جمله‌های قرآن و توضیح مقاصد آن‌ها.»

و مقصود از «علم» در عنوان، «علوم تجربی»^۲ است که به دو شاخه علوم طبیعی^۳ (همچون: فیزیک، پزشکی، کیهان‌شناسی و ...) و علوم انسانی^۴ (همچون جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و ...) تقسیم می‌شود. اما صاحب‌نظران تعریف‌های متعددی در مورد تفسیر علمی ارائه کرده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

دکتر ذهبی در مورد تعریف تفسیر علمی می‌نویسد: «مقصود ما از تفسیر علمی، آن تفسیری است که اصطلاحات علمی را بر عبارات قرآن حاکم می‌کند و تلاش می‌نماید تا علوم مختلف و نظریات فلسفی را از قرآن استخراج سازد.»

از نظر وی تفسیر علمی را اعم از تفسیر فلسفی است، در حالی که بنا بر تعریف مشهور، این دو روش تفسیری از هم جداست. در اینجا علوم تجربی در برابر علوم عقلی (مثل فلسفه) مقصود است.

همچنین ایشان به دو قسم از تفسیر علمی یعنی «تحمیل نظریه‌ها بر قرآن» و «استخراج علوم از قرآن» اشاره کرده است. در حالی که در ادامه خواهیم گفت که قسم سومی از تفسیر علمی نیز وجود دارد که همان «استخدام علوم در فهم قرآن» است.

امین الخولی در مورد تعریف تفسیر علمی می‌نویسد: «آن تفسیری است که طرفداران آن، اقدام به استخراج همه علوم قدیم و جدید از قرآن می‌کنند و قرآن را میدان وسیعی از علوم فلسفی، انسانی در زمینه پزشکی، کیهان‌شناسی و فنون مختلف می‌دانند و اصطلاحات علمی را بر قرآن حاکم می‌کنند و می‌کوشند که این علوم را استخراج کنند».^۵

این تعریف نیز به دو قسم تفسیر علمی یعنی استخراج علوم از قرآن و تحمیل نظریات بر قرآن اشاره کرده است و اما به قسم سوم، یعنی استخدام علوم در فهم قرآن اشاره نکرده است.

راترود ویلانت، نیز در دائرة المعارف قرآن لیدن در مقاله «تفسیر قرآن در دوره جدید» در تعریف تفسیر علمی بر استخراج از قرآن تاکید می‌کند و می‌نویسد: «تفسیر علمی باید در پرتو این فرض درک شود که تمام یافته‌ها [دستاورد‌های] علوم طبیعی جدید در قرآن پیش‌بینی شده است و اینکه قرائن و شواهد روشن زیادی نسبت به آنها در آیات قرآن می‌توان کشف نمود، یافته‌های علمی از کیهان‌شناسی کوپرنیکی گرفته تا خواص الکتریسته و از نظم و ترتیب انفعالات شیمیایی تا عوامل امراض عفونتی، همه از پیش در قرآن مورد تأیید قرار گرفته است.^۶ عبدالرحمن العک تفسیر علمی را این گونه تعریف می‌کند: «این تفسیر در اصل برای شرح و توضیح اشارات قرآنی است که به عظمت آفرینش الهی و تدبیر بزرگ و تقدیر او اشاره دارد».^۷

هر چند در این تعریف تا حدودی به مقصود اصلی تفسیر علمی نزدیک شده است و از تعریف آن به صورت استخراج و تحمیل دوری گزیده است. ولی در این تعریف روشن نشده که علوم قطعی یا نظریه‌های ظنی در تفسیر علمی استفاده خواهد شد.

دکتر فهد رومی در تعریف تفسیر علمی می‌نویسد: «مراد از تفسیر علمی اجتهاد مفسر در کشف ارتباط بین آیات وجودی قرآن کریم و اکتشافات علم تجربی است به طوری که اعجاز قرآن آشکار شود و ثابت گردد که آن (از طرف خدا) صادر شده و صلاحیت برای همه‌ی زمان‌ها و مکان‌ها را دارد.»^۸

دکتر رفیعی نیز پس از بیان تعریف‌های مختلف و نقد و بررسی آنها تعریف فوق را مناسب‌تر معرفی می‌کند.^۹

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که روش تفسیر علمی قرآن دارای گونه‌ها و اقسام مختلف است که بر اساس آن‌ها، تعریف‌های متفاوتی از آن ارائه شده است. گاهی با عنوان استخراج علوم از قرآن و گاهی با عنوان تحمیل مطالب علمی بر قرآن از آن یاد شده است. اما مقصود ما در این نوشتار همان «استخدام علوم در فهم بهتر آیات قرآن است، یعنی منبع علوم تجربی قطعی، به عنوان ابزاری برای تفسیر و توضیح اشارات علمی آیات قرآن در آید و در این راستا، تمام معیارها و ضوابط تفسیر صحیح رعایت شود و هیچ تحمیل یا استخراجی صورت نپذیرد.»^{۱۰}

ب) زمینه‌ها و انگیزه‌های پیدایش تفسیر علمی و علل رشد آن

خورشید اسلام در سرزمین عربستان طلوع کرد و اعراب آن سرزمین را - که تعداد افراد با سواد آنها، از تعداد انگشتان تجاوز نمی‌کرد^{۱۱} - به علم و دانش دعوت کرد و قرآن را به عنوان معجزه معرفی نمود.^{۱۲}

قرآن با دعوت به تفکر و تعمق در آیات الهی، خلقت آسمان‌ها، زمین^{۱۳} و ... مردم را از خواب جهل و غفلت بیدار کرد. مسلمانان که با فتوحات عظیم در قرن اوّل هجری به سرزمین‌های تازه‌ای دست یافته بودند، هر روز با افکار نو و ادیان دیگری آشنا می‌شدند. با فروکش کردن نسبی جنگ‌ها، تبادل فرهنگی بین اسلام،

ادیان و تمدن‌های ایران، روم و یونان آغاز شد و ترجمه‌ی آثار دیگر ملل، در دوره‌ی هارون الرشید و مأمون شدت گرفت.^{۱۴}

مسلمانان علومى مانند طب، ریاضیات، نجوم، علوم طبیعی و فلسفه را از یونان گرفتند و مطالب زیادی به آن‌ها اضافه کردند و در طی چند قرن، خود را به اوج قله‌ی دانش رساندند، چنان که مسلمانان در قرن سوم و چهارم هجری، بهترین کتاب‌ها را در زمینه‌ی پزشکی (مانند قانون بو علی سینا)، فلسفه (مانند شفاى بو علی سینا)، ریاضیات و نجوم نگاشتند.

باری ترجمه و تألیف آثار غیر مسلمانان، در زمینه‌ی علوم مختلف و انتقال آنها به کشور پهناور اسلامی موجب شد تا تعارض‌هایی بین ظاهر بعضی آیات قرآن و علوم جدید به نظر آید.

دانشمندان مسلمان در همان قرن‌های اولیه‌ی اسلام در تلاش برای رفع این معضل، دو طریق را انتخاب کردند:

۱- ردّ مطالب باطل این علوم که برای آگاهی مردم و ارشاد آنان صورت می‌گرفت؛ زیرا بسیاری از مبانی فلسفی و علمی یونان، قابل خدشه و اشکال بود و از طرفی با دین اسلام هم به معارضه برخاسته بود؛ بر این اساس، کتاب‌هایی مانند: تهافت الفلاسفة (تألیف ابو حامد غزالی) و مفاتیح الغیب (تألیف فخر رازی) نوشته شد.

۲- انطباق آیات قرآن با علوم تجربی یونان تا به مردم ثابت کنند که قرآن بر حق و مطالب علمی آن صحیح است. از این رو، آیاتی از قرآن مانند آسمان‌های هفتگانه (سبع سموات)^{۱۵} را بر سیارات هفتگانه که در نجوم یونانی، اثبات شده بود حمل کردند و از اینجا بود که روش تفسیر علمی پدید آمد و رشد کرد. اما این شیوه‌ی تفسیر که همواره با جذابیت خاصی برای جوانان و افراد تحصیل کرده

همراه بوده، در طول تاریخ به صورت یکنواخت رشد نکرده است؛ بلکه گاهی تحت تأثیر عواملی اوج گرفته و بعضی اوقات رونق خود را از دست داده است.

این شیوهی تفسیر به طور عمده سه دوره داشته است:

دورهی نخست از حدود قرن دوم هجری تا حدود قرن پنجم بود^{۱۶} که با ترجمه‌ی آثار یونانی به عربی آغاز شد و بعضی مسلمانان، سعی کردند آیات قرآن را با هیئت بطلمیوسی تطبیق کنند (مانند بوعلی سینا). نمونه‌های مکتوب تفسیر علمی را در آثار بوعلی سینا (۳۷۰ - ۴۲۸ ق) یافت می‌شود.

دورهی دوم از حدود قرن ششم شروع شد؛ هنگامی که بعضی دانشمندان به این نظریه متمایل شدند که همه‌ی علوم در قرآن وجود دارد و می‌توان علوم مختلف را از قرآن کریم استخراج کرد (در این مورد غزالی سر آمد بود). این دو نوع از تفسیر علمی (تطبیق قرآن با علوم و استخراج علوم از قرآن) قرن‌ها، ادامه داشت و هر زمان دانشمندان مسلمان، به موافقت یا مخالفت با آن می‌پرداختند.^{۱۷}

دورهی سوم از تفسیر علمی که موجب اوج‌گیری و رشد فوق العاده آن گردید، از زمانی شروع شد که در قرن ۱۸ میلادی به بعد، علوم تجربی در مغرب زمین رشد کرد و کتاب‌های مختلف در زمینه‌ی علوم فیزیک، شیمی، پزشکی و کیهان‌شناسی به عربی ترجمه گردید. این دوره‌ی جدید، به ویژه در یک قرن اخیر که در جهان اسلام، اثرات خود را در مصر و هندوستان بر جای گذاشت، موجب شد تا دانشمندان مسلمان در صدد انطباق قرآن با علوم تجربی برآیند. این مسأله آن موقع اهمیت بیشتری یافت که تعارض علم و دین در اروپا، اوج گرفت و کتاب مقدس به خاطر تعارضات آن با علوم جدید، هر روز عقب نشینی تازه‌ای می‌کرد و میدان برای پیدایش افکار الحادی و ضد دینی باز می‌شد. هجوم این

افکار به کشورهای اسلامی و تفوق صنعتی غرب، موجب جذب جوانان مسلمان به فرهنگ غربی می‌گشت.

در این میان عده‌ای از دانشمندان مسلمان، برای دفاع از قرآن و با توجه به سازگاری علم و دین در نظر اسلام، به میدان آمدند تا نشان دهند که آیات قرآن، نه تنها با علوم جدید، در تعارض نیست؛ بلکه بر عکس، یافته‌های علمی، اعجاز علمی قرآن را اثبات می‌کند؛ از این رو، به استخدام علوم در فهم قرآن اقدام کردند و تفسیرهای علمی نوشته شد.^{۱۸} هر چند در این میان، بعضی افراط کرده یا یکسره جذب فرهنگ غربی شدند و به تأویل و تفسیر به رأی در آیات قرآن دست زدند^{۱۹} - و از آنجا که مبانی تفسیری این روش، بررسی کامل نشده بوده، دچار انحراف شدند یا عده‌ای از مغرضان آنها، برای اثبات افکار انحرافی خود، دست به تفسیر علمی و تأویلات نابه جا زدند و همین مطلب موجب شد تا احساسات بعضی مسلمانان، برافروخته شود و در مقابل تفسیر علمی موضع‌گیری کنند و آن را یک سره به باد حمله بگیرند و آن را نوعی تفسیر به رأی یا تأویل غلط آیات قرآن بدانند. در این میان، بسیاری از عالمان و مفسران، در ایران و مصر راه انصاف پیمودند و بین انواع تفسیر علمی و اهداف گویندگان آن، فرق گذاشتند و به اصطلاح قایل به تفصیل شدند.

به طور خلاصه علل عمده‌ی شروع و گسترش این روش تفسیری در بین مسلمانان چنین بود:

۱-۲- توجه قرآن به علم، ذکر مثال‌های علمی و ترغیب به تفکر در آیات الهی در آسمان‌ها، زمین و خود انسان که موجب رشد علوم، معارف و مقایسه‌ی آنها با آیات قرآن شد.

- ۲-۲- ترجمه‌ی آثار علوم طبیعی و فلسفی از یونان، روم و ایران به عربی و نشر آن در بین مسلمانان که از قرن دوم هجری به بعد صورت گرفت.
- ۲-۳- این تفکر که همه‌ی علوم در قرآن هست و ما باید آن‌ها را از آیات، به دست آوریم.
- ۲-۴- توجه به علوم طبیعی و کشفیات جدید، برای اثبات اعجاز علمی قرآن نیز، به رشد تفسیر علمی کمک کرد.
- ۲-۵- پیروزی تفکر اصالت حس، در اروپا و تأثیر گذاری آن بر افکار مسلمانان و به وجود آمدن گروه‌های التقاطی یا انحرافی، در میان مسلمانان که به تأویل و تطبیق آیات قرآن، منجر شد.^{۲۰}
- ۲-۶- حسن دفاع دانشمندان مسلمان در مقابل حملات غربی‌ها به دین و القای تفکر تعارض علم و دین، موجب شد تا سازگاری آیات قرآن با علوم تجربی، در تفاسیر و کتاب‌ها وارد شود.

ج) تاریخچه، دیدگاه‌ها و مهم‌ترین آثار در زمینه تفسیر علمی

مفسران و دانشمندان مسلمان در مورد تفسیر علمی قرآن سه دیدگاه متمایز دارند که با توجه به سیر تاریخی آنها اشاره می‌شود:

۱- دیدگاه موافقان و مخالفان تفسیر علمی

۱-۱- موافقان تفسیر علمی

جمعی از مفسران قرآن، فلاسفه و متفکران و بسیاری از متخصصان علوم تجربی طرفدار تفسیر علمی بوده و از علوم تجربی در تفسیر آیات قرآن استفاده کرده‌اند. از جمله:

۱-۱-۱- شیخ الرییس ابن سینا (۳۷۰ - ۴۲۸ ق) فیلسوف و پزشک مشهور ایرانی. او واژه‌ی «عرش» در آیه‌ی «و یحمل عرش ربك فوقهم يومئذ ثمانية»^{۲۱} را به فلک الافلاک (یعنی فلک نهم هیئت بطلمیوسی) تفسیر کرده است و «ملائکه هشت گانه» را به افلاک هشت گانه (قمر خورشید - زهره - عطارد - زحل - مشتری - مریخ و فلک ثوابت) تفسیر نموده است.^{۲۲}

۱-۱-۲- ابوحامد غزالی (متوفای ۵۰۵ ق). وی در کتاب «احیاء العلوم» می‌گوید: در قرآن، علوم زیادی وجود دارد و از برخی علما نقل کرده که در قرآن، هفتاد و هفت هزار و دویست علم است؛ زیرا برای هر کلمه علمی است و این علوم چهار برابر می‌شود، چون هر کلمه ظاهر و باطن و حد و مطلع و ... دارد.^{۲۳} و نیز در کتاب «جواهر القرآن» آورده است: علمی همچون علم طب، نجوم، هیئت عالم، هیئت بدن حیوان، تشریح اعضای او، علم سحر، طلسمات و غیر این‌ها، ریشه‌های آن خارج از قرآن نیست و مثال‌های زیادی از آیات قرآن در رابطه با علوم مختلف بیان می‌کند.^{۲۴}

۱-۱-۳- امام فخر رازی (متوفای ۶۰۶ ق) در تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب) برخی مطالب علمی را با آیات قرآن تطبیق کرده است: او به آیه‌ی «الذي جعل لكم الارض فراشا»^{۲۵} استدلال می‌کند که زمین ساکن است.^{۲۶} و در ذیل آیه‌ی ۱۶۴ سوره بقره، فلکیات قدیم و آرای بطلمیوس و قدمای هند و چین و بابل و مصر و روم و شام را مورد بررسی قرار می‌دهد.

۱-۱-۴- ابن ابی الفضل المرسی (۵۷۰ - ۶۵۵ ق) معتقد است: قرآن علوم اولین و آخرین را جمع کرده است و تلاش می‌کند که علم طب، جدل، هیئت، هندسه، جبر و مقابله را از قرآن استخراج کند و برای خیاطی، نجاری، صید، آهنگری، کشاورزی و دریانوردی آیاتی می‌آورد.^{۲۷}

- ۵-۱-۱- بدر الدین محمد بن عبدالله زرکشی (متوفای ۷۶۴ ق) صاحب کتاب «البرهان في علوم القرآن» نیز معتقد است که می‌توان همه‌ی علوم را از قرآن استخراج کرد. برای مثال عمر حضرت عیسی (ع) را از آیه‌ی «قال اني عبدالله»^{۲۸} که سی و سه کلمه است استخراج کرده که سی و سه سال بوده است.^{۲۹}
- ۶-۱-۱- جلال الدین سیوطی (متوفای ۹۱۱ ق) صاحب کتاب «الاتقان في علوم القرآن» نیز قرآن را شامل تمام علوم می‌داند و برای مثال از آیه‌ی «و لن يوخر الله نفساً اذا جاء اجلها»^{۳۰} استفاده می‌کند که عمر پیامبر (ص) شصت و سه سال بوده است، چون که این آیه در اوایل سوره‌ی ۶۳ قرآن (منافقین) است.^{۳۱ - ۳۲}
- ۷-۱-۱- علامه محمدباقر مجلسی (متوفای ۱۱۱۱ ق) صاحب کتاب بزرگ «بحار الانوار»، در برخی از مجلدات این کتاب مطالبی پیرامون آسمان‌ها آورده و در موارد متعددی تفسیر علمی کرده است از جمله در مورد آیه‌ی ۲۹ سوره‌ی بقره می‌گوید: «هفت گانه بودن آسمان‌ها، منافاتی با نه گانه بودن آن‌ها که در علم نجوم که ثابت شده، ندارد؛ زیرا آسمان هشتم و نهم در زبان دینی، به کرسی و عرش تعبیر شده است.»^{۳۳}
- ۸-۱-۱- ملاصدرای شیرازی (م ۱۰۵۰ ق) فیلسوف مشهور در تفسیر خویش^{۳۴} و نیز ملاهادی سبزواری در کتاب «شرح منظومه»^{۳۵} همان مطالب پیش گفته را در مورد آسمان‌های هفت گانه و عرش و کرسی احتمال می‌دهند و تکرار می‌کنند.
- ۹-۱-۱- سیدعبدالرحمن کواکبی (متوفای ۱۳۲۰ ق) در کتاب «طبایع الاستعداد و مصارع الاستعداد» در موارد متعددی به انطباق قرآن با علوم تجربی می‌پردازد. و برای جدا شدن ماه از زمین (بر طبق نظریات کیهان شناسی) به آیات ۴۱ سوره رعد و ۱ سوره قمر استدلال می‌کند.^{۳۶}

۱۰-۱-۱- سید احمد خان هندی (۱۸۱۷-۱۸۹۸ م) و سید امیرعلی (۱۳۴۷-۱۲۶۵ ق)، از دانشمندان هندی، برای تفسیر علمی قرآن کالجی در «علیگره» تأسیس کردند و نماز و روزه و زکات و حج را بر پایه فواید جسمانی و اجتماعی تفسیر کردند و حتی قوای طبیعی مانند آب و باد و ابر را، ملک (فرشته) می دانستند. و امکان وقوع معجزه و تأثیر دعا را انکار می کردند که سیدجمال الدین اسدآبادی در هند با تفسیر آنان مخالفت کرد.^{۳۷}

۱۱-۱-۱- دکتر محمدبن احمد الاسکندرانی، در کتاب «کشف الاسرار النورانیة القرآنیة فی ما يتعلق بالاجرام السماویة و الارضیة و الحيوانات و النبات و الجواهر المعدنیة» (چاپ ۱۸۸۰). وی از پیشگامان تفسیر علمی در عصر جدید بشمار می آید.

۱۲-۱-۱- طنطاوی (متولد ۱۸۶۲ م) صاحب تفسیر «الجواهر فی تفسیر القرآن». تفسیر ایشان را می توان اوج استفاده از علوم در تفسیر قرآن نامید. ایشان در موارد متعددی از علوم مختلف در تفسیر قرآن استفاده کرده از جمله علم احضار ارواح را از آیات مربوط به گاو بنی اسرائیل^{۳۸} استخراج کرده است. و در هر مبحث تفسیری، بسیاری از علوم جدید را در لابه لای تفسیر آورده است.^{۳۹}

۱۳-۱-۱- عبدالرزاق نوفل از نویسندگان مصری است که حداقل پنج کتاب در مورد تفسیر علمی نوشته است: «القرآن و العلم الحدیث»، «الله و العلم الحدیث»، «الاسلام و العلم الحدیث»، «بین الدین و العلم».

۱۴-۱-۱- سید هبة الدین شهرستانی (۱۳۰۱-۱۳۶۹ ق) در کتاب «الاسلام و الهیئة» که حرکت زمین را از آیهی «الذي جعل لكم الارض مهاداً»^{۴۰} استفاده کرده.^{۴۱} و معتقد است «بیان تصدیق و تأیید علوم و اکتشافات جدید از طریق دین و لسان علما موجب تقویت ایمان مردم است».^{۴۲}

۱۵-۱-۱- برخی از نویسندگان متأخر ایرانی که در مورد تفسیر علمی آثاری دارند عبارتند از: آیت الله طالقانی در تفسیر پرتوی از قرآن، محمد تقی شریعتی در تفسیر نوین، حجت الاسلام اهتمام در فلسفه احکام، دکتر پاک‌نژاد در اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، مهندس بازرگان در کتاب های راه طی شده - باد و باران در قرآن - مطهرات در اسلام و محمدعلی رضائی اصفهانی در کتاب‌های درآمدی بر تفسیر علمی قرآن (۱۳۷۵ ش)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن (۱۳۸۱ ش)، اشارات علمی اعجاز‌آمیز قرآن (۱۳۸۳ ش) و ناصر رفیعی در تفسیر علمی قرآن (۱۳۸۲ ش).

در تحلیل و بررسی دیدگاه موافقان می‌توان آن‌ها را به چند دسته تقسیم کرد که هر گروه، هدف خاصی را دنبال می‌کرده‌اند.

۱- برخی افراد در پی فهم بهتر قرآن بوسیله علوم تجربی بوده‌اند، و حتی شرایط و ضوابط تفسیر علمی را روشن کرده‌اند و تلاش نموده‌اند از افراط و تفریط دوری کنند. همچون دکتر پاک‌نژاد در کتاب «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر» و محمدعلی رضائی اصفهانی در «تفسیر علمی قرآن».

۲- گروهی در پی اثبات اعجاز علمی قرآن بوده‌اند. برای مثال، در مورد زوجیت عام و زوجیت گیاهان، ادعای اعجاز علمی کرده‌اند.^{۴۳} از جمله این افراد مصطفی صادق رافعی (متوفای ۱۹۳۸ م) در کتاب اعجاز «القرآن و البلاغة النبویة» و نگارنده در «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» بوده‌اند.^{۴۴}

۳- گروهی در پی نشان دادن اهمیت علم در نظر اسلام بوده‌اند. از جمله این افراد، طنطاوی و سیده‌به‌الدین شهرستانی بوده‌اند که مطالب آنان گذشت.

۴- کسانی که تلاش کردند علوم مختلف را از قرآن استخراج کنند، از جمله این افراد: غزالی، المرسی، زرکشی، سیوطی، طنطاوی است.^{۴۵}

دلیل عمده‌ی اکثر این افراد آن است که همه‌ی علوم در قرآن وجود دارد. پس می‌توان با دقت در آیات و با روش‌های خاص و با کمک علوم، آن‌ها را از آیات استخراج کرد.

۵- افرادی که نظریه‌های ظنی علوم را بر آیات قرآن تطبیق کرده‌اند، از جمله‌ی این افراد می‌توان از: فخر رازی (در مورد استفاده سکون زمین از آیه‌ی ۲۲ بقره) علامه مجلسی، ملاصدرا شیرازی، سید عبدالرحمن کواکبی و عبدالرزاق نوفل نام برد.^{۴۶}

البته گاهی برخی از این افراد نظریه‌های علمی را بر قرآن تحمیل کرده‌اند. همان طور که عبدالرزاق نوفل در مورد آیه‌ی «هو الذي خلقكم من نفس واحدة و جعل منها زوجها» می‌گوید: «مقصود از نفس واحد، همان پروتون و زوج آن، همان الکترون است و این دو عنصری هستند که اتم از آنها تشکیل شده است». وی این مطلب را دلیل اعجاز علمی قرآن شمرده است.^{۴۷} البته روشن است که این تفسیر با معانی لغوی و اصطلاحی و ظاهر آیه سازگار نیست و نوعی تحمیل نظر به قرآن و تفسیر به رأی است.

۶- گروهی در پی اثبات افکار انحرافی خود بوده‌اند و تلاش کرده‌اند که با استفاده از علوم تجربی، معجزات پیامبران را که در قرآن بیان شده، توجیه کرده یا انکار کنند.

از جمله‌ی این افراد می‌توان از سید احمد خان هندی و سید امیر علی و رشید رضا (۱۸۶۵-۱۹۳۵ م) در «المنار» نام برد.

رشید رضا در ذیل آیه‌ی ۲۴۳ سوره بقره مسأله‌ی مرگ افراد را به شکست آن‌ها و از دست دادن استقلال و زنده شدن آنان را به استقلال و قوت مجدد تفسیر کرده است.^{۴۸} و ذیل آیه‌ی ۲۶۰ بقره زنده شدن چهار مرغ را در داستان ابراهیم (ع)

به تربیت و انس آنان تفسیر کرده است.^{۴۹} در حالی که این توجیهات مخالف ظاهر آیات و نوعی تفسیر به رأی است. و شاید به خاطر وجود همین اشکالات بود که افرادی همچون علامه طباطبایی (ره) به تطبیق قرآن بر علوم تجربی خرده گرفتند و آن را رد کردند.^{۵۰}

۲-۱- مخالفان تفسیر علمی

۱-۲-۱- ابواسحاق شاطبی (م ۷۹۰ ق) فقیه مالکی مذهب اندلسی در کتاب «الموافقات» تفسیر علمی را انکار می‌کند و دلایل قایلان آن را رد کرده، می‌نویسد: «در زمان نزول قرآن، اعراب علمی داشتند، مانند: نجوم، علم اوقات، نزول باران، علم طب، بلاغت، فصاحت، علم کهانت، رمل، جفر و... اسلام و قرآن، این علوم را به دو دسته تقسیم کرد: علمی که صحیح بود، تصدیق کرد و بر آن‌ها مطالبی افزود و علمی را که نادرست بود (مانند کهانت، رمل و...) باطل اعلام نمود و منافع و مضار هر دسته را بیان کرد. سپس برای هر دسته مثال‌هایی از قرآن می‌آورد^{۵۱} و بعد می‌گوید: «بسیاری از مردم از حدّ خود تجاوز کرده، ادعا می‌کنند که در قرآن، همه‌ی علوم گذشتگان و آیندگان وجود دارد، مانند: علوم طبیعی، هندسه، ریاضی، منطق و علم حروف»، ولی این صحیح نیست؛ سپس برای اثبات ادعای خود این گونه استدلال می‌کند که از سلف صالح، کسی این ادعا را نکرده و قرآن هم تنها برای بیان احکام تکالیف، احکام آخرت و مسایل جنبی آن‌ها آمده است.^{۵۲} پس از آن، دلایل قایلان به تفسیر علمی را که به آیات قرآن مانند: «تبیاناً لكل شیء»،^{۵۳} «ما فرطنا في الكتاب من شیء»^{۵۴} استناد کرده‌اند، رد می‌کند و می‌گوید: این آیات مربوط به تعبّد و تکلیف است و مراد از کتاب، در آیه‌ی دوم، لوح محفوظ است و در مورد حروف فواتح سور هم می‌گوید: که عدد

جُمَل (حروف ابجد و تطبیق آن با آیات) اثبات نشده و این از متشابهاتی است که فهم آن مختص به معارف اهل کتاب است.^{۵۵}

۱-۲-۲- شیخ محمود شلتوت (۱۸۹۳-۱۹۶۴ م) از علمای الازهر مصر در مقالاتی که در مجله «الرساله» در سال ۱۹۴۱ میلادی چاپ می‌شد به تفسیر علمی حمله کرد و عقیده داشت که این نوع تفسیر خطاست چون: اولاً قرآن برای بیان نظریات علوم و فنون نازل نشده است؛ ثانیاً این طریق، موجب تأویل قرآن به صورت تکلفی (تحمیلی) می‌شود که با اعجاز قرآن و ذوق سلیم ناسازگار است؛ ثالثاً موجب می‌شود که قرآن در هر زمان و مکان به دنبال مسایل علوم برود، در حالی که علوم، ثبات و قرار و ندارند و چه بسا امروز، چیزی را ثابت کنند که فردا مخالف آن اثبات شود. در نتیجه خطاهای علوم به قرآن راه می‌یابد. وی سپس مواردی از خطاها در تفسیر علمی که موجب استخراج مسایل عجیبه از آیات قرآن شده است را بر می‌شمارد.^{۵۶}

۱-۲-۳- دکتر ذهبی از اساتید علوم قرآن و حدیث در الازهر صاحب کتاب مشهور «التفسیر و المفسرون». وی از دانشمندان متأخر مصر محسوب می‌شود و که در مخالفت با تفسیر علمی می‌گوید: «اعتقاد من این است که حق با شاطبی است، چون دلایلی که آورده قوی است و جواب‌هایی که به مخالفان خود می‌دهد محکم است».^{۵۷}

۱-۲-۴- در بعضی از کتاب‌ها افرادی را به عنوان مخالفان تفسیر علمی ذکر کرده‌اند که عبارت‌اند از:^{۵۸}

۱-۲-۴-۱- استاد امین الخولی (۱۹۵۶ م).

۱-۲-۴-۲- استاد عباس محمود عقاد (۱۹۶۴ م).

۱-۲-۴-۳- استاد محمد عزه دروزه (متولد ۱۸۸۸ م).

۴-۲-۱- شیخ محمد عبدالعظیم الزرقانی، مؤلف کتاب «مناهل العرفان فی علوم القرآن».

بعد از مراجعه به دلایل این افراد، متوجه می‌شویم که چیزی اضافه بر آنچه که شاطبی می‌گوید، ندارند. لازم به ذکر است که عباس محمود عقاد در دو کتاب «الانسان فی القرآن» و «قرآن و مکتب تکامل» به بحث تفسیر علمی پرداخته است، پس نمی‌تواند از مخالفان مطلق تفسیر علمی به شمار آید. با تحلیل و بررسی دیدگاه مخالفان روشن می‌شود که آنان با گونه‌های خاصی از تفسیر علمی مخالفت کرده‌اند، یعنی استخراج علوم از قرآن و تحمیل نظریه‌های علمی بر آن را مردود شمرده‌اند، که در این موارد، اشکالات آنان وارد بوده و بدون پاسخ مانده است. ولی قائلان به تفصیل در تفسیر علمی تلاش کرده‌اند با ارائه معیارهایی به تفسیر علمی معتدل یا استخدام علوم قطعی در فهم قرآن دست یابند تا اشکالات مخالفان بر طرف شود.

۲- دیدگاه تفصیل در تفسیر علمی

برخی از مفسران و دانشمندان اسلامی یک قسم از تفسیر علمی را با شرایطی پذیرفته و قسمی دیگر را رد کرده‌اند؛ یعنی قایل به تفصیل در این مورد شده‌اند. از جمله کسانی که این راه را توصیه کرده‌اند این افراد هستند:

۱-۲- سید قطب (۱۹۰۶ - ۱۹۳۳ م) متفکر اسلامی مصر که صاحب تفسیر «فی ظلال القرآن» است. سید قطب در تفسیر خود، به تفسیر علمی اشکال می‌کند و می‌گوید: «من تعجب می‌کنم که افراد ساده، سعی می‌کنند تا چیزهایی که در قرآن نیست به قرآن نسبت دهند و آنچه را مقصود قرآن نیست، بر آن تحمیل

کنند و جزئیات علوم پزشکی، شیمی، نجوم را از قرآن استخراج سازند تا بدین وسیله، شأن قرآن را بالا ببرند».^{۵۹}

سپس به دو نوع تفسیر و برداشت از آیات علمی قرآن می‌پردازد و یک نوع را جایز و نوع دیگر را غیر مجاز می‌شمارد. برای نوع غیر مجاز، انطباق تکامل با آیه‌ی «لقد خلقنا الانسان من سلاله من طین»^{۶۰} را مثال می‌زند که ممکن است، این نظریه تغییر کند. و برای نوع جایز آن، آیه‌ی شریفه «و خلق کل شیء فقدّره تقدیراً»^{۶۱} را مثال می‌زند که برای هر چیزی مانند شکل زمین و فاصله‌ی آن از خورشید، ماه، حجم خورشید و ماه، سرعت حرکت آن‌ها و نسبت‌هایی که بین آنها برقرار است، مقدار و تناسب دقیقی است که نمی‌تواند تصادفی باشد و این آیه را می‌توان در مفهومش، توسعه داد و اشکالی ندارد.^{۶۲}

۲-۲- محمد مصطفی مراغی (۱۸۸۱-۱۹۴۵ م) شیخ جامع الازهر و از علمای بزرگ مصر و سودان است. که دو موضع مختلف، نسبت به تفسیر علمی دارد. در مقدمه‌اش بر کتاب «الاسلام و الطب الحديث»، تألیف عبدالعزیز اسماعیل، می‌گوید: «من نمی‌خواهم بگویم که قرآن کریم، همه‌ی علوم را به صورت کلی و تفصیلی در بر دارد، بلکه می‌گویم که قرآن اصول عام هر چیزی را که معرفتش برای انسان مهم است و عمل به آن، انسان را به کمال جسمی و روحی می‌رساند، در بر دارد و درهای علم را برای دانشمندان علوم مختلف، باز کرده تا بتوانند جزئیات آن علوم را طبق پیشرفت زمان، برای مردم بیان کنند».

و نیز می‌گوید: «برخی تأویل قرآن می‌کنند برای (تطبیق با) نظریات علمی که ثبات ندارد و این خطر بزرگی برای قرآن است ... زیرا نظریات علمی که ثابت نشده، صحیح نیست قرآن را به آنها برگردانیم ... واجب است که آیه‌ی قرآن را به طرف علوم نکشانیم، تا تفسیرش کنیم و علوم را هم به طرف آیه

نکشانیم تا قرآن را تفسیر کنیم، بلکه اگر ظاهر یک آیه با یک حقیقت علمی ثابت، موافق بود، آن آیه را با آن حقیقت علمی تفسیر کنیم».^{۶۳}

مراغی در تفسیر خود، در موارد متعدد اقدام به تفسیر علمی کرده است. برای مثال در ذیل آیه‌ی شریفه‌ی «خلق السموات بغیر عمد ترونها»^{۶۴} عمد را به نیروی جاذبه عمومی تفسیر می‌کند.^{۶۵}

۲-۳- احمد عمر ابوحجر صاحب کتاب «التفسیر العلمی فی المیزان». وی در این کتاب دلایل طرفین، در مورد اثبات و نفی تفسیر علمی را آورده است. ایشان در پایان قایل به تفصیل در تفسیر علمی می‌شود و می‌گوید: «آنچه نفس انسان به آن مطمئن می‌شود این است: کسانی که قرآن را از تفسیر علمی دور نگه می‌دارند بر حق هستند؛ زیرا این نوع تفسیر، بر وهم، ظن و تکلف در تأویل استوار است، اما وقتی بر مطلب یقینی علمی استوار باشد، مانعی در استفاده از نور علم، برای روشن کردن حقایق علمی وجود ندارد».^{۶۶} در جای دیگر می‌گوید: «ما طریق میانه را انتخاب می‌کنیم که افراط و تفریط در آن نیست، چون وقتی قرآن کلام خداست و وجود نیز، آفریده‌ی خداوند است پس باید حقایق علمی با آیات قرآنی هماهنگ باشند».^{۶۷}

۲-۴- علامه طباطبایی (متوفای ۱۳۶۰ ش)، صاحب تفسیر شریف «المیزان» از متفکران، مفسران و فیلسوفان بزرگ شیعه، در قرن حاضر هستند که در مورد تفسیر علمی می‌فرماید: «بعضی از مسلمانان در اثر غرق شدن در علوم طبیعی و مشابه آن‌ها که مبتنی بر حس و تجربه است، به مذهب اصالت حس، از فلاسفه‌ی اروپا متمایل شدند و بعضی به طریق اصالة العمل (که ارزشی برای ادراکات قایل نیستند، مگر به مقداری که عملی بر آن مترتب شود) گرایش پیدا کردند، از این رو گفتند که معارف دینی، با طریقه علمی (اصالت حس و ماده) معارضت ندارد و

موارد آیات مخالف این نظر را، تأویل کردند و حتی معاد را با قوانین مادی، تطبیق نمودند و گفتند روح مادی است و از خواص ماده به دست می‌آید و نبوت یک نبوغ خاص اجتماعی است که موجب قانون گذاری، برای ایجاد مصالح می‌شود و نتیجه گرفتند که روایات، به خاطر خلطی که در آنهاست، قابل اعتماد نیست و تفسیر آیات قرآن، به طریق عقلی را هم، باطل کرد؛ پس قرآن را باید با علم تفسیر نمود.

در پایان چنین می‌فرماید: «انما الكلام في أنّ ما أوردته علي مسالك السلف من المفسرين (انّ ذلك تطبيقاً و ليس بتفسير) وارد بعينه علي طريقتهم في التفسير»،^{۶۸} آن اشکالی که بر روش تفسیر علمای گذشته وارد کرده‌اند که تفسیر نیست، بلکه تطبیق است، همان اشکال، بر ایشان نیز وارد است.

ولی علامه خود، در تفسیر بعضی از آیات قرآن از علوم تجربی و نتایج آنها کمک می‌گیرند چنانچه در ذیل آیه‌ی شریفه‌ی «و جعلنا من الماء كل شيء حي»^{۶۹} «و حیات هر چیزی را از آب قرار دادیم» می‌فرماید: «منظور این است که آب دخالت کاملی در وجود هر موجود زنده‌ای دارد ... و در بحث‌های علمی جدید، ارتباط حیات با آب واضح شده است»^{۷۰}

در ذیل آیه‌ی شریفه‌ی «و السماء بنيناها بأيد و انا لموسعون»^{۷۱} می‌فرماید: مراد، توسعه خلقت آسمان است، همان طور که علوم ریاضی، امروزه به این مسأله نظر دارند.^{۷۲}

ما در مباحث آینده، روشن خواهیم کرد که این دو نوع برخورد علامه با تفسیر علمی، بدین جهت است که تفسیر علمی، چند نوع مختلف دارد که همگی یک حکم واحد ندارند، از این رو علامه در شمار قایلان به تفصیل در تفسیر علمی محسوب می‌شود.

۵-۲- آیت‌الله مکارم شیرازی صاحب «تفسیر نمونه». ایشان از افراد موافق تفسیر علمی ولی معتدل به حساب می‌آیند که تفسیر علمی را در یک نوع آن پذیرفته‌اند و در تفسیر نمونه، در موارد متعددی برای اثبات اعجاز علمی قرآن، از آن استفاده کرده‌اند^{۷۳} و با نوعی از تفسیر علمی مخالفت کرده‌اند و آن را تفسیر به رأی می‌خوانند.^{۷۴} آنجا که با تفسیر علمی موافقت دارند می‌فرمایند: «گاهی هم مشاهده می‌شود که علم به میدان آمده و قرآن را تفسیر می‌کند، تأکید می‌کنم وقتی می‌گوییم علم، منظورم کشفیات ثابت شده و قطعی علمی است، نه فرضیات که اشکال کنند فرضیه‌ها با گذشت زمان، دست خوش تغییر و دگرگونی می‌شود و نمی‌توان قرآن ثابت و تغییر ناپذیر را بر فرضیات دگرگون شونده تطبیق داد. برای مثال: زوجیت نر و ماده، در عالم گیاهان که بعد از قرن هفده میلادی کشف شد و یا حرکت زمین به دور خود، دیگر یک فرضیه نیست، تا با گذشت زمان دگرگون شود».^{۷۵}

۶-۲- آیت‌الله محمد هادی معرفت. ایشان می‌نویسند: «شریعت، درس علوم طبیعی نیست و قرآن بالذات کتاب علم نیست، مگر اشاراتی گذرا و در کنار مطالب اصلی (حکمت، هدایت، تربیت، ارشاد و...) دارد که به بعضی از اسرار وجود، اشاره می‌کند اما این به نحو اجمالی و غامض بیان شده، به طوری که علمای راسخ در علم، آن اشارات را درک می‌کنند چون در صدد بیان مطالب علمی نبوده، ولی در عین حال از دریای بی‌کران علم الهی سرچشمه گرفته است. ایشان معتقدند قطعیات علوم و معارف بشری برای فهم قرآن لازم است و اشاراتی علمی در قرآن هست که بدون استفاده از علوم فهم حقیقت آن‌ها ممکن نیست^{۷۶} ولی قرآن قطعی است و علوم غیر قطعی، بنابر این باید علوم بر قرآن تطبیق شود نه بالعکس. یعنی با توجه به کشفیات علمی، ما از یک آیه مطلبی را

می‌فهمیم اما این که بگوییم آیه حتماً این مطلب را می‌گوید نمی‌دانیم، بلکه اگر کسی نسبت قطعی دهد، تحمیل است که جایز نیست.^{۷۷}

پس ایشان به طور واضح بین اسناد قطعی علوم تجربی، به قرآن و تفسیر قرآن با علوم تجربی، به نحو احتمالی فرق می‌گذارند، از این رو ایشان را در شمار قایلان به تفصیل در تفسیر علمی ذکر کردیم. ایشان جلد ششم التمهید را به تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن اختصاص داده‌اند و به طور مفصل این مباحث را مطرح کرده‌اند.

۷-۲- آیت‌الله سبحانی، ایشان از افراد معتدل در تفسیر علمی محسوب می‌شوند؛ چنان که در مورد شرایط مفسر می‌فرمایند:

«آگاهی از بینش‌های فلسفی و علمی که مایه‌ی شکوفایی ذهن و سبب برداشت‌های ارزنده‌ای از قرآن می‌گردد از شرایط تفسیر قرآن به معنای واقعی است. امروز بشر، گام‌های بس بلندی پیرامون شناخت زمین، کیهان، حیوان و انسان برداشته و افق‌های بس تازه‌ای در روان‌شناسی و جامعه‌شناسی کشف کرده. درست است که نمی‌توان گفت تمام آنچه را که در این مقوله، گفته و ترسیم کرده است، صحیح است، ولی آگاهی از چنین کشفیات علمی، سبب تقویت دماغ فلسفی و علمی انسان می‌گردد و مایه‌ی شکوفایی ذهن مفسر می‌شود و به او توان خاصی می‌بخشد که از قرآن به صورت کاملتری بهره بردارد. مقصود این نیست که به کمک فلسفه‌ی یونان و یا اسلامی و یا به کمک علوم جدید، به تفسیر قرآن پردازیم و قرآن را بر این افکار غیر مصون از خطا تطبیق کنیم، زیرا یک چنین کاری جز تفسیر به رأی که عقلاً و شرعاً ممنوع است، نتیجه‌ی دیگری ندارد».^{۷۸}

ایشان در کتاب «برهان رسالت»، در مورد جاذبه‌ی عمومی، کرویت زمین، حرکت زمین و اجرام سماوی زوجیت گیاهان، به قرآن و علم اشاره می‌کند و

برای اعجاز قرآن به آن‌ها استدلال می‌نماید.^{۷۹} وی هر چند با تطبیق قرآن بر علوم جدید مخالف است، اما بر لزوم استفاده از کشفیات علمی، در تفسیر قرآن تأکید می‌کند؛ پس با استخدام علوم در فهم قرآن، موافق است و این تفصیل در تفسیر علمی محسوب می‌شود.

۸-۲- تفصیل بین سه گونه استخراج علوم از قرآن، تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن و استخدام علوم در فهم قرآن، که نگارنده در کتاب درآمدی بر تفسیر علمی قرآن (۱۳۷۵ ش) بیان کرده‌ام و در ادامه توضیح بیشتر خواهد آمد.

د) شیوه‌های برداشت علمی از قرآن

تفسیر و برداشت علمی از قرآن، خود دارای روش‌های فرعی متفاوتی است که بعضی سر از تفسیر به رأی و شماری منجر به تفسیر معتبر و صحیح می‌شود و برخی نیز به نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن در حوزه علوم مختلف می‌انجامد.

۱- استخراج همه‌ی علوم از قرآن کریم

طرفداران قدیمی تفسیر علمی؛ مانند: ابن ابی‌الفضل المرسی، غزالی و ... کوشیده‌اند تا همه‌ی علوم را از قرآن استخراج کنند؛^{۸۰} زیرا عقیده داشتند که همه چیز در قرآن وجود دارد و در این راستا، آیاتی را که ظاهر آن‌ها با یک قانون علمی سازگار بود، بیان می‌کردند و هر گاه ظواهر قرآن کفایت نمی‌کرد، دست به تأویل، می‌زدند و ظواهر آیات را به نظریات و علوم می‌گذاشتند، بر می‌گرداندند و از این جا بود که علم هندسه، حساب، پزشکی، هیأت، جبر، مقابله و جدل را از قرآن استخراج می‌نمودند.

برای مثال، از آیه‌ی شریفه‌ی «إِذَا مَرَضتْ فِهُوَ يَشفِی»^{۸۱}، ابراهیم (ع) نقل می‌کند که: وقتی من بیمار شدم، اوست که شفامی دهد، علم پزشکی را استخراج کردند^{۸۲}

و علم جبر را از حروف مقطعه‌ی اوایل سوره‌ها استفاده کردند^{۸۳} و از آیه‌ی شریفه‌ی «اذا زلزلت الأرض زلزالها» زمین لرزه‌ی سال ۷۰۲ هجری قمری را پیش بینی کردند.^{۸۴}

روشن است که این نوع تفسیر علمی، منجر به تأویلات زیاد در آیات قرآن، بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر و معانی لغوی آن‌ها می‌شود. از همین‌رو است که بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را نوعی تأویل و مجازگویی دانسته‌اند^{۸۵}؛ که البته در این قسم از تفسیر علمی، اشکالات وارد است.

۲- تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن کریم

این شیوه از تفسیر علمی، در یک قرن اخیر رواج یافته و بسیاری از افراد با مسلم پنداشتن قوانین و نظریات علوم تجربی سعی کردند تا آیاتی موافق آنها در قرآن بیابند و هر گاه آیه‌ای موافق با آن نمی‌یافتند، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده و آیات را بر خلاف معانی ظاهری، حمل می‌کردند.

مثال این گونه تفسیری را در تفسیر آیه ۱۸۹/اعراف از عبدالرزاق نوفل بیان شد که «نفس» را، به معنای پروتون و «زوج» را الکترون معنا کردند و گفتند: منظور قرآن، این است که همه‌ی شما را از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است، آفریدیم.^{۸۶} در این تفسیر، حتی معنای لغوی و اصطلاحی نفس را نکردند.

این گونه تفسیر علمی، در یک قرن اخیر، در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی برخی دانشمندان مسلمان نسبت به مطلق تفسیر علمی گردید و یکسره تفسیر علمی را به عنوان تفسیر به رأی و تحمیل نظریات و عقاید بر قرآن طرد کردند، چنان که علامه طباطبایی، تفسیر علمی را نوعی تطبیق اعلام کرد.^{۸۷}

البته در مورد این نوع تفسیر علمی، حق با مخالفان آن است؛ چرا که مفسر در هنگام تفسیر باید از هرگونه پیش داوری خالی باشد، تا بتواند تفسیر صحیح انجام دهد و اگر با انتخاب یک نظریه‌ی علمی، آن را بر قرآن تحمیل کند، پا در طریق تفسیر به رأی، گذاشته که در روایات وعده‌ی عذاب به آن داده شده است.

۳- استخدام علوم برای فهم و تبیین بهتر قرآن

در این شیوه از تفسیر علمی، مفسر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت ضوابط تفسیر معتبر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می‌کند.

یعنی تلاش می‌کند که با استفاده از مطالب قطعی علوم - که از طریق دلیل عقلی پشتیبانی می‌شود - و با ظاهر آیات قرآن - طبق معنای لغوی و اصطلاحی - موافق است، به تفسیر علمی بپردازد و معانی مجهول قرآن را کشف و در اختیار انسان‌های تشنه‌ی حقیقت قرار دهد. این شیوه‌ی تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است.

ما در مبحث آینده، معیار این گونه تفسیر را، به طور کامل بیان خواهیم کرد؛ اما در این جا تأکید می‌کنیم که در این شیوه‌ی تفسیری، باید از هرگونه تأویل و تفسیر به رأی، پرهیز کرد و تنها به طور احتمالی از مقصود قرآن سخن گفت؛ زیرا علوم تجربی به خاطر استقرای ناقص، و مبنای ابطال پذیری که اساس آنهاست، کمتر می‌تواند مطلب علمی قطعی بیان کند.

برای مثال، آیه‌ی شریفه‌ی «الشمس تجری لمستقر لها»^{۸۸}؛ «خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد.» در زمان صدر اسلام که نازل شد، مردم همین حرکت حسی و روزمره‌ی خورشید را می‌دانستند؛ به این ترتیب از این آیه، همین حرکت را می‌فهمیدند، در حالی که حرکت خورشید، از مشرق به مغرب کاذب است؛ زیرا خطای حس باصره‌ی ماست و در حقیقت، زمین در حرکت است. از

این رو ما خورشید را متحرک می‌بینیم، همان طور که شخص سوار بر قطار، خانه‌های کنار جاده را در حرکت می‌بیند و با پیشرفت علوم بشری و کشف حرکت زمین و خورشید، روشن شد که خورشید هم، خود دارای حرکت انتقالی است (نه حرکت کاذب، بلکه واقعی) و خورشید، بلکه تمام منظومه‌ی شمسی و حتی کهکشان راه شیری در حرکت است.^{۸۹} پس می‌گوییم اگر به طور قطعی اثبات شد که خورشید در حرکت است و ظاهر آیه‌ی قرآن هم می‌گوید که خورشید در جریان است، پس منظور قرآن حرکت واقعی (حرکت انتقالی و...) خورشید است. علاوه بر آن، قرآن از «جریان» خورشید سخن می‌گوید نه حرکت آن، و در علوم جدید کیهان‌شناسی بیان شده که خورشید حالت گازی شکل دارد که در اثر انفجارات هسته مرتب زیر و زبر می‌شود^{۹۰} و در فضا جریان دارد و همچون گلوله‌ای جامد نیست که فقط حرکت کند، بلکه مثل آب در جریان است.^{۹۱}

۴- نظریه‌پردازی‌های علمی قرآن و جهت دهی به مبانی علوم انسانی

۴-۱- نظریه‌پردازی‌های علمی قرآنی

برخی از آیات علمی قرآن مطالبی را بیان می‌کند که علم هنوز بدانها دسترسی پیدا نکرده و هر چند از نظر علوم تجربی به اثبات نرسیده است، اما دلیلی نیز برای نفی آن مطلب قرآنی نداریم و از آنجا که وحی نوعی دانش قطعی و از سرچشمه‌ی الهی است، در صحیح بودن آن شکی نیست؛

هر چند برای اثبات آنها فعلاً شواهد تجربی در دست نداریم و ممکن است مثل برخی موارد دیگر از پیشگویی‌های علمی قرآن (مثل نیروی جاذبه طبق آیه ۲/رعد و ۱۰/لقمان و ...) در آینده اثبات شود. این موارد را می‌توان به‌عنوان نظریه‌های

علمی قرآنی مطرح نمود و همچون دیگر تئوری‌های علمی بدن‌بال شواهد تجربی آنها بود.

به عنوان مثال می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱. نظریه وجود موجودات زنده در آسمان‌ها: این نظریه از برخی آیات قرآن همچون آیه ۲۹ / شوری قابل استفاده است که می‌فرماید:

«وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ دَابَّةٍ»

«و از نشانه‌های اوست، آفرینش آسمان‌ها و زمین و آنچه از جنبندگان در آنها منتشر ساخته است.»

هر چند برخی نشانه‌های کیهان‌شناختی برای وجود موجودات زنده و با شعور در کرات دور دست ادعا شده است اما دانشمندان کیهان‌شناخت، هنوز نظریه‌ی قطعی در این زمینه ابراز نکرده‌اند و چیزی ثابت نشده است؛ ولی این مطلب را می‌توان به‌عنوان یکی از نظریه‌های علمی قرآنی، مبنای تحقیقات تجربی کیهان‌شناختی وسیع قرار داد.^{۹۲}

۲. نظریه‌ی گسترش آسمان‌ها: این دیدگاه از برخی آیات قرآن همچون آیه ۴۷ / ذاریات قابل استفاده است، که می‌فرماید:

«وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ»

«و ما آسمان را با دست (قدرت) بنا کردیم و همواره آن را گسترش می‌دهیم.»

در مباحث علمی فیزیک کیهانی دو دیدگاه در مورد آسمان‌ها وجود دارد: یکی دیدگاه انبساط جهان و دیگری دیدگاه انقباض جهان.^{۹۳} و برای هر کدام شواهدی مطرح گردیده ولی اثبات نشده است. از آیه‌ی فوق دیدگاه انبساط جهان

قابل برداشت است.^{۹۴} و می‌تواند به‌عنوان یک نظریه علمی قرآنی مبنای تحقیقات کیهان‌شناسی قرار گیرد.

۳. نظریه‌ی هفت آسمان: در قرآن کریم بارها از «هفت آسمان» یاد شده است، از جمله در سوره بقره/۲۹، اسراء/۴۴، مؤمنون ۱۷ و ۸۶، فصلت/۱۲، طلاق/۱۲، نوح/۱۵، نبأ/۱۲.

در حالی که علوم کیهان‌شناسی از یک آسمان با هزاران کهکشان و ستاره و سیاره سخن می‌گویند و در مورد آسمان‌های دیگر سکوت می‌کنند. چون وسایل ستاره‌شناسی فعلی بشر و سفرهای فضایی توانایی کشف بیش از این را ندارد؛ قرآن کریم مساله هفت آسمان را به صورت قاطع مطرح کرده است و این مساله نیز می‌تواند به‌عنوان یک نظریه علمی قرآنی مبنای مطالعات کیهان‌شناختی وسیعی قرار گیرد. البته در مورد هفت آسمان معانی و دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد که در تفسیر آیات فوق باید به آنها توجه کرد، و مطلب فوق براساس آن بود که عدد هفت واقعی و مقصود از آسمان‌ها، محل کرات باشد.^{۹۵}

۴. نظریه‌ی آفرینش مستقیم انسان از خاک: مسأله‌ی آفرینش نخستین آدم از خاک در کتاب‌های آسمانی به ویژه قرآن کریم، مطرح شده است و برخی آیات قرآن بر آفرینش انسان از خاک و گل دلالت دارد. مثل: انعام/۹۸، آل عمران/۵۹، الرحمن/۱۴، (هر چند برخی آیات دلالت‌های دیگری نیز دارد) و سالهاست که نظریه تکامل توسط لامارک و داروین ابراز شده که قائل به بوجود آمدن انسان از نسل حیوانات قبلی است.

معمولاً دانشمندان و مفسران خود را بین این دو دیدگاه محصور می‌دیدند. و یکی را انتخاب و دیگری را نفی می‌کنند و در این مورد کتاب‌های متعددی نیز نوشته شده است.^{۹۶}

ولی می‌توان نظریه سومی را که شاید وجه جمع دو دیدگاه باشد، مطرح کرد و آن اینکه تکامل زیستی در موجودات (اگر با شواهد قطعی اثبات شود) پذیرفتنی است و حتی ممکن است انسان‌هایی از نسل میمون بوجود آمده ولی بعداً منقرض شده باشند؛ ولی حضرت آدم به عنوان پدر بشر فعلی به صورت استثنایی از خاک بطور مستقیم (ولو در زمان طولانی) آفریده شده است.

البته اینکه بسیاری از ویژگی‌های انسان فعلی در میمون‌ها موجود نیست بلکه در نظریه تکامل، حلقه‌ی مفقوده‌ای بین میمون و انسان وجود دارد؛ می‌تواند شاهی برای این دیدگاه باشد.

این نظریه می‌تواند به عنوان یک نظریه علمی قرآنی در آفرینش انسان، مبنای پژوهش‌های زیست‌شناسی باشد و در کنار نظریه تکامل و فیکسیم مطرح گردد و به دنبال شواهد تجربی آن از باستان‌شناسی و زیست‌شناسی باشیم. البته قرآن کریم در مورد نظریه تکامل مباحث مفصلی وجود دارد و آیات موافق و مخالف نظریه تکامل و دیدگاه مفسران نیازمند بحث گسترده است که در برخی کتاب‌ها آمده است.^{۹۷}

۵. نظریه پردازی‌های قرآن در زمینه علوم انسانی، مثل مبانی مدیریت در قرآن، مبانی و اصول اقتصاد در قرآن، مبانی سیاست در قرآن و مبانی اصول علوم تربیتی در قرآن، که اگر اینگونه موارد به خوبی مورد توجه و کاوش قرار گیرد، می‌تواند انقلابی در جهان علوم انسانی پدید آورد، و چهره جهانی را در قرن بیست و یکم تغییر دهد، و به سلطه فرهنگی غرب بر شرق پایان بخشد.

برای نمونه:

از آیات قرآن خدا محوری استفاده می‌شود، یعنی خدا سرچشمه همه موجودات و منتهای سیر همه موجودات است: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بقره/۱۵۶ و اصولاً ارزش کارها به رنگ الهی (صبغة الله، بقره/۱۳۵) و در راه خدا بودن است. در حالی که مبنای علوم انسانی جدید انسان محوری است که این مطلب در علوم انسانی بویژه علوم تربیتی و علوم سیاسی تاثیر بسیاری دارد و جهت خاصی به آنها می‌دهد.

در اقتصاد نیز مبنای اقتصاد اسلامی بدون ربا پایه‌گذاری شده است در حالی که اقتصاد جدید غرب براساس سیستم ربا (بویژه در بانکداری) شکل گرفته است اگر این مبنای قرآنی در بانکداری جاری شود به سیستم جدیدی رهنمون می‌شویم. علوم سیاسی جدید در غرب براساس جدایی دین از سیاست و امور دنیوی (سکولاریسم) بنیان نهاده شده است؛ در حالی که سیاست در قرآن بر مبنای دخالت دین در سیاست پایه‌گذاری شده است؛ از این رو بسیاری از آیات قرآن مسائل حکومتی و اصول سیاست خارجی و قوانین صلح و جنگ و ... را بیان می‌کند.

و همچنین است لزوم رعایت مبانی اخلاقی و اصل عدالت و فقرزدایی در مدیریت و توجه به بعد روحانی انسان علاوه بر بعد جسمانی در روانشناسی و...

آری بسیاری از آیات قرآن اشارات صریح یا غیرصریح به مبانی علوم انسانی دارد که شمارش آنها نگارش مقالات بلکه کتاب‌های متعددی را می‌طلبد.^{۹۸}

ه) مبانی برداشت علمی از قرآن

شیوه برداشت و روش تفسیر علمی قرآن دارای مبانی عام تفسیری و روش‌شناسی است که در همه روش‌های تفسیری جاری است، همچون جواز و امکان تفسیر قرآن و ممنوعیت تفسیر به رأی و حجیت ظواهر و نصوص قرآنی و نیز دارای مبانی خاص است که پیش‌فرض‌های این روش به‌شمار می‌آید و از آنجا که این مبانی در جای خود اثبات می‌شود، در اینجا بدانها اشاره می‌شود:

۱- قطعی نبودن غالب مطالب علوم تجربی

علوم تجربی حاصل کاوش‌ها و تجربه‌های بشری است که در طی قرن‌ها بر هم انباشته شده است، تا قبل از نیمه‌ی دوم قرن بیستم میلادی، علوم تجربی را به دو شاخه‌ی نظریه‌های علمی اثبات نشده و قانون‌های علمی اثبات شده تقسیم می‌کردند. و اگر نظریه علمی به وسیله‌ی مشاهده و تجربه‌های مکرر تأیید می‌شد آن را اثبات شده و قانون علمی می‌دانستند.^{۹۹}

اما پس از آن و با پیدایش نظریات جدید در فلسفه‌ی علم، روشن شد که علوم تجربی افسانه‌های مفیدی است که در صحنه‌ی طبیعت و زندگی کاربرد دارد؛ اما هیچ‌گاه به صورت قانون در نمی‌آید.

یعنی در تشکیل یک نظریه‌ی علمی نخست ما به مسأله و مشکلی برخورد می‌کنیم، و در مرحله‌ی دوم راه حلی برای آن حدس می‌زنیم. سپس در مرحله‌ی سوم، قضایای قابل مشاهده و تجربه از آن راه حل استنتاج می‌کنیم و در مرحله‌ی چهارم، اقدام به ابطال این قضایا می‌کنیم. و اگر این قضایا باطل نشود، آن نظریه، تا هنگامی که نظریه‌ی بهتری پیدا و جایگزین آن نشود، در علم باقی می‌ماند و مبنای عمل قرار می‌گیرد.^{۱۰۰}

بنابر این، علوم تجربی اثبات پذیر نیست بلکه ابطال پذیر است و در علم، قانون قطعی وجود ندارد.

البته اینکه قضایای علوم تجربی قطعی نیست (به معنای قطع معرفت شناختی) یعنی نمی توان گفت: فلان گزاره‌ی علمی حتماً مطابق واقع و تغییر ناپذیر است؛ اما برخی از قضایای علوم تجربی قطعی اند؛ (به معنای قطع روانشناختی) یعنی گاهی گزاره‌ی علمی از راه مشاهده یا به وسیله‌ی قراین دیگر مثل بدیهی می‌گردد. همچون «حرکت زمین» که در عصر ما مثل بدیهی شده است. همان طور که گاهی انسان به وسیله‌ی قراین خارجی یا دلایل عقلی که مطلب را پشتیبانی می‌کند، در مورد یک گزاره‌ی علمی به قطع می‌رسد.

در تفسیر علمی بین علوم تجربی قطعی و نظریه‌های ظنی علوم تجربی، تفاوت گذاشته می‌شود. و استفاده از نوع دوم در تفسیر علمی قرآن صحیح نیست، چرا که نظریه‌های ظنی علوم گاهی صدها سال در حوزه‌ی علم می‌ماند، سپس تغییر می‌کند؛^{۱۱} پس نمی‌توان تفسیر قرآن را بر آن‌ها بنا نهاد.

۲- وجود اشارات علمی در قرآن و لزوم استفاده از علوم تجربی در فهم و

تفسیر آنها

در قرآن کریم بیش از ۱۳۲۲ آیه وجود دارد که به مطالب علمی و طبیعت و انسان و ... اشاره دارد.^{۱۲} که این آیات حداقل سه گانه است:

اول: اشارات علمی به پدیده‌های طبیعی مثل حیوانات و طبیعت.^{۱۳} که به ظاهر نکته شگفت‌انگیز یا اعجاز‌آمیزی را در بر ندارد. ولی همین اشارات علمی توجه انسان را به طبیعت و کیهان و ... جلب کرده و زمینه‌ساز پیشرفت علوم تجربی در جهان اسلام شده است.

دوم: اشارت شگفت‌انگیز علمی قرآن، یعنی آیاتی که به مطالب علمی ویژه‌ای اشاره می‌کند، صدور آنها از یک فرد درس ناخوانده در محیط جزیره العرب در صدر اسلام بسیار بعید بوده است؛ برای مثال اشارات قرآن به حرکت زمین^{۱۰۴} که بر خلاف هیئت بطلموسی و دیدگاه مشهور کیهان‌شناسی در آن عصر بوده است. البته اینگونه موارد اعجاز علمی قرآن بشمار نمی‌آید؛ چرا که مثلاً در مورد حرکت زمین دیدگاه غیرمشهور در یونان قبل از اسلام وجود داشته است.^{۱۰۵}

سوم: اشارات اعجاز‌آمیز علمی قرآن، یعنی گاهی قرآن کریم به زوجیت عام موجودات،^{۱۰۶} نیروی جاذبه،^{۱۰۷} حرکت‌های خورشید،^{۱۰۸} مراحل آفرینش انسان^{۱۰۹} و لقاح ابرها^{۱۱۰} اشاره کرده که تا قرن‌ها بعد از اسلام کسی از این حقایق علمی با خبر نبوده است، این اشارات نوعی رازگویی و اخبار غیبی قرآن بشمار می‌آید. تفسیر علمی قرآن شرحی بر همین اشارات علمی قرآن است.

۳- همه علوم از ظواهر آیات قرآن قابل استفاده نیست

هر چند که اشارات علمی زیادی در قرآن کریم وجود دارد، و حتی قرآن خود را بیان‌کننده همه چیز معرفی می‌کند، «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ»^{۱۱۱} اما همه علوم بشری در ظواهر آن وجود ندارد چرا که چنین ادعائی خلاف بداهت است و آیه شریفه نیز قید لُبی دارد یعنی هر چیزی که در رابطه با هدایت بشر است در قرآن موجود است.^{۱۱۲}

بنابراین همانطور که گذشت استخراج علوم از قرآن صحیح نیست؛ چون مبنای آن «وجود همه علوم در ظواهر قرآن است» و این مبنا مخدوش است.^{۱۱۳}

۴- رابطه سازگارانہ بین قرآن و علم

قرآن کریم بارها انسان‌ها را به دانش‌افزایی فراخوانده است، و یا دانشمندان را تشویق و تمجید کرده است.^{۱۱۴} و همانطور که گذشت در موارد متعددی مطالب اعجاز‌آمیز یا شگفت‌آمیز علمی بیان کرده است، قرآن کریم هیچگاه سرستیز با علم و عالمان راستین نداشته است بلکه رابطه قرآن و علم سازگارانہ و مثبت است. و تفسیر علمی قرآن نوعی توضیح همین مبناست.

البته برخی تعارضات ظاهری و ابتدائی بین قرآن و علم ادعا یا توهم شده که با تأمل و دقت در آیات و علوم، بر طرف می‌شود، و تعارض مستقر و حقیقی بین قرآن و علم وجود ندارد. و همین مطلب نیز در ضمن تفسیر علمی روشن می‌شود.

۵- هدف اصلی قرآن هدایت مردم به سوی خداست

در قرآن مکرر بیان شده که این کتاب برای هدایت مردم^{۱۱۵} و خارج ساختن آنان از تاریکی‌ها به سوی نور است،^{۱۱۶} بنابراین اگر اشارات علمی در قرآن وجود دارد در همین راستاست؛ یعنی اشارت علمی قرآن گاهی به‌عنوان نشانه‌های خدا^{۱۱۷} و گاهی به‌عنوان شواهد معاد^{۱۱۸}، بیان شده است پس بیان مطالب علمی هدف اصلی قرآن نیست و قرآن کتاب کیهان‌شناسی و فیزیک و... نیست.

و- معیارهای برداشت علمی از قرآن

در روش‌های تفسیری دو گونه شرایط و معیار وجود دارد: یک قسم، شرایط و معیارهایی عام که باید در تمام روش‌های تفسیری مراعات شود؛ و قسم دوم، شرایط و معیارهای خاصی که باید در هر روش تفسیر خاص رعایت گردد. در

این جا هدف ما بیان شرایط و معیارهای قسم دوم است، اما برای یاد آوری، به قسم اول نیز اشاره می‌کنیم.

۱- معیارهای عام در روش تفسیر قرآن

این معیارها شامل شرایط مفسر و تفسیر می‌شود که ما آن‌ها را در دو دسته خلاصه می‌کنیم:

۱-۱- تفسیر علمی توسط مفسری صورت پذیرد که دارای شرایط لازم باشد؛ یعنی آشنایی با ادبیات عرب، آگاهی به شأن نزول آیه، آشنایی با تاریخ پیامبر(ص) و صدر اسلام در حدودی که به آیه مربوط است، اطلاع از علوم قرآن؛ مانند نسخ و منسوخ، مراجعه به احادیث و اصول فقه، آگاهی از بینش‌های فلسفی، علمی، اجتماعی و اخلاقی، پرهیز از هر گونه پیش‌داوری، تطبیق و تحمیل، آشنایی با تفسیر و عدم تقلید از مفسران.^{۱۱۹}

۱-۲- معیارهای تفسیر معتبر در آن رعایت شده باشد؛ مانند: پیروی از روش صحیح تفسیر، عدم منافات تفسیر با سنت قطعی، پرهیز از پیش‌داوری غیر ضروری، عدم منافات تفسیر با آیات دیگر و حکم قطعی عقل و استفاده از منابع صحیح در تفسیر که لازم است این معیارها در تفسیر علمی نیز رعایت گردد.^{۱۲۰}

۱-۳- پرهیز از تفسیر به رأی و استقلال رأی در تفسیر قرآن؛ یعنی مفسر باید قبل از تفسیر، به قراین عقلی و نقلی مراجعه کرده. و پس از در نظر گرفتن آن‌ها اقدام به تفسیر کند.

۲- معیارهای خاص روش تفسیر علمی قرآن

۲-۱- تفسیر علمی به وسیله‌ی علوم تجربی قطعی صورت پذیرد.

در این مورد در مبحث علم، مقصود از قطعی بودن علوم تجربی را توضیح دادیم، و در این جا اضافه می‌کنیم که:

یک. اگر علوم تجربی یقینی و قطعی بود، می‌توان قرآن را بر اساس آن تفسیر کرد.

دو. اگر مطالب علوم تجربی به صورت نظریه‌های پذیرفته شده در علم باشد، می‌توان به صورت احتمالی بیان کرد که شاید این آیه اشاره به این مطلب علمی باشد. اما نمی‌توان به طور قطعی مطلبی را به قرآن نسبت داد؛ چرا که این علوم قطعی نیست.

سه. اگر مطالب علوم تجربی به صورت فرضیه‌های احتمالی در علم باشد و هنوز مورد پذیرش عام جامعه‌ی علمی قرار نگرفته و قطعی نیز نشده است، نمی‌توان قرآن را با آنها تفسیر کرد؛^{۱۲۱} چرا که این فرضیه‌ها در معرض تغییر است و همان اشکالاتی را که مخالفان تفسیر علمی می‌کردند در پی دارد.^{۱۲۲}

۲-۲- دلالت ظاهر آیه‌ی قرآن بر مطالب علوم تجربی مورد نظر روشن باشد و تحمیلی بر آیه صورت نگیرد؛ یعنی در تفسیر علمی باید تناسب ظاهر آیه با مسایل علمی مورد نظر رعایت شود، به طوری که معانی الفاظ و جملات آیه با مسایل علمی همخوان باشد و نیاز به تحمیل نظر بر آیه نباشد. به عبارت دیگر، در تفسیر علمی به نحوی عمل شود که نیاز به توجیه و تفسیرهای مخالف ظاهر پیدا نکنیم.^{۱۲۳}

۲-۳- استفاده از گونه‌ی صحیح تفسیر علمی؛ یعنی استخدام علوم در فهم علوم و تبیین و تفسیر قرآن، و پرهیز از گونه‌های ناصحیح همچون؛ استخراج علوم از قرآن و تطبیق و تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن.

تذکر ۳: برخی از صاحب نظران معیارهای دیگری برای تفسیر علمی ذکر کرده‌اند از جمله:

- ۳/۱. تفسیر آیات مطابق معنای نظم قرآن باشد.
 - ۳/۲. قرآن را در معرض نظریات علمی متضاد قرار ندهد.
 - ۳/۳. مفسر در پی اثبات اشارات علمی قرآن به وسیله‌ی نظریات علمی باشد.
 - ۳/۴. آیات قرآن را اصل و محور تفسیر قرار دهد، (نه مطالب علمی را)
 - ۳/۵. مفسر ملتزم به معانی لغوی عرب در آیات باشد.
 - ۳/۶. تفسیر علمی با مطالب شرعی مخالف نباشد.
 - ۳/۷. تفسیر علمی مطابق آیه باشد نه کمتر و نه زیاده‌تر
 - ۳/۸. تألیف و تناسب آیات و وحدت موضوعی آنان رعایت گردد.^{۱۲۴}
- البته برخی از معیارهای فوق به نوعی به یکی از معیارهای سه‌گانه‌ی پیشین باز می‌گردد؛ همچون شماره‌ی ۱ و ۴ و ۷ و ۸ که به معیار دوم باز می‌گردد و همچون شماره‌ی ۲ که به معیار اول باز می‌گردد.
- و برخی دیگر، از شرایط عامّ تفسیر است مثل شماره‌ی ۶ و ۵ و در شماره‌ی ۳ اگر مقصود از نظریات علمی، فرضیه‌های اثبات نشده باشد قابل قبول نیست و اگر مقصود مطالب قطعی علوم تجربی باشد (با اصلاح در عبارت) قابل قبول است.

ز- امتیازات تفسیر علمی قرآن

۱. در قرآن کریم حدود ۱۳۳۲ آیه وجود دارد که به مطالب علمی اشاره دارد^{۱۲۵} و استخدام علوم در تفسیر قرآن موجب تبیین اشارات علمی قرآن شده، و ما را در تفسیر، تبیین و فهم بهتر آیات کمک می‌کند؛ برای مثال وقتی قرآن از زیان و منافع شراب سخن می‌گوید «قل فیهما اثم کبیر و منافع للناس»^{۱۲۶}، یافته‌های

علوم پزشکی این آیه را توضیح می‌دهد و مقصود خدا را از منافع و مضار تبیین می‌کند، تفسیر روشنی از آیه در اختیار ما می‌گذارد.

بلکه گاهی تفسیر برخی آیات قرآن بدون کمک گرفتن از علوم جدید بسیار مشکل می‌شود. برای مثال: فهم و تفسیر آیات ۱۲-۱۴ سوره‌ی مؤمنون و آیه‌ی ۵ سوره‌ی حج نیاز مبرم به استفاده از علوم پزشکی دارد. و همان طور که برای فهم لغات آیه از علم لغت استفاده می‌کنیم، برای فهم مراحل خلقت انسان نیز از علم جنین‌شناسی استفاده می‌کنیم.

۲. تفسیر علمی قرآن در برخی موارد می‌تواند اعجاز علمی قرآن را اثبات کند؛^{۱۲۷} یعنی قرآن کریم چهارده قرن قبل مطالبی علمی را بیان کرده که برای انسان آن عصر کشف نشده بوده است و مردم از آوردنِ مثلِ آن عاجز بوده‌اند و اکنون پس از قرن‌ها به طور قطعی به وسیله‌ی علوم تجربی کشف گردیده است. از این مطب استفاده می‌شود که قرآن معجزه‌ای الهی است که نمی‌تواند کلام بشری باشد.

در مورد اعجاز علمی قرآن به آیاتی در مورد زوجیت عام موجودات (و زوجیت گیاهان)،^{۱۲۸} نیروی جاذبه،^{۱۲۹} حرکت خورشید،^{۱۳۰} فلسفه‌ی حرمت شراب‌خواری،^{۱۳۱} مراحل خلقت انسان،^{۱۳۲} لقاح ابرها و گیاهان^{۱۳۳} و... استدلال شده است.^{۱۳۴}

آقای راترود ویلانت، نیز در این مورد می‌نویسد: «هواداران تفسیر علمی در صدد اثبات این معنا هستند که قرآن چندین قرن نسبت به عالمان جهان غرب تقدم دارد چرا که مطالبی را در آن زمان متذکر شده که [پس از گذشت چند قرن] تازه عالمان غربی آنها را کشف می‌نمایند. اکثر شیفتگان تفسیر علمی این برتری زمانی قرآن در زمینه معرفت علمی را به عنوان نمونه بارزی از اعجاز قرآن

تلقی کرده و همواره در براهین و مجادلات علمی خود در برابر غرب بر این بعد اعجاز و تقلید ناپذیری قرآن تاکید می‌ورزند.^{۱۳۵}

۳. تفسیر علمی قرآن سبب افزایش ایمان مردم مسلمان و گرایش غیر مسلمانان به قرآن و اسلام می‌شود؛ یعنی هنگامی که ثابت شد قرآن اشاراتی علمی دارد که قرن‌ها قبل از کشفیات علوم تجربی آنها را بیان کرده است، ایمان مسلمانان و به ویژه جوانان نسبت به صدق قرآن بیشتر می‌شود؛ همان طور که مخالفان قرآن در برابر آن سر تسلیم فرود می‌آورند و به عظمت آن اعتراف می‌کنند.

از این رو است که می‌بینیم برخی دانشمندان غربی، همچون «موریس بوکای» در کتاب «مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم» به بررسی مطالب علمی قرآن، تورات و انجیل پرداخته است و در موارد متعددی اعتراف می‌کند که تورات و انجیل با یافته‌های علوم تجربی مخالف است، اما قرآن مطالب مخالف علم ندارد، بلکه در این مورد مطالب اعجاز آمیزی بیان کرده است.^{۱۳۶}

۴. نظریه پردازی‌های علمی قرآن: همانطور که قبلاً اشاره شد یکی از ثمرات برداشت‌های علمی از قرآن پدید آمدن نظریه‌های نو در زمینه علوم طبیعی (مثل وجود موجودات زنده در آسمان، (شوری/۲۹) و در زمینه علوم انسانی (مثل دیدگاه اقتصاد بدون ربا) است.

۵. جهت دهی به علوم انسانی: همانطور که قبلاً اشاره شد یکی از ثمرات برداشت‌های علمی از قرآن پیدایش مبانی جدید برای علوم انسانی است که موجب جهت دهی جدید به این علوم می‌گردد.

برای مثال: رعایت اصل اساسی عدالت در اقتصاد و توجه به اصل فقرزدایی در اقتصاد و مدیریت و نیز رعایت اخلاق اسلامی در مدیریت و نیز توجه به دو بعدی

بودن شخصیت انسان (روح و جسم) در روانشناسی و با توجه به خدا محوری به جای انسان محوری (اومانیزم) علوم انسانی می‌تواند، مبانی جدیدی برای این علوم بوجود آورد و جهت جدیدی به آنها بدهد به طوری که علوم انسانی جدیدی در جهان پدید آید.

ح- آسیب‌های برداشت علمی از قرآن

۱. علوم تجربی، غالباً قطعی نیست و نظریات و تئوری‌های آن، متزلزل است و بعد از مدتی تغییر می‌یابد و اگر قرآن را با علوم متزلزل و غیر قطعی تفسیر کنیم؛ پس از مدتی که آن نظریه‌ها تغییر کرد، مردم در مورد بیانات قرآنی شک کرده و ایمان آن‌ها متزلزل می‌گردد؛ برای مثال، این که بعضی افراد قرآن را با هیئت بطلمیوسی تفسیر کردند و افلاک نه‌گانه را با آیات قرآن تطبیق نمودند و پس از قرن‌ها آن نظریه باطل شد، موجب گردید تا بعضی گمان کنند علم هیئت جدید (کپرنیکی) با قرآن در تعارض است.^{۱۳۷}

۲. تفسیر علمی در بسیاری موارد به تفسیر به رأی منجر می‌شود؛ زیرا افرادی که در صدد تفسیر علمی قرآن هستند، به دلایل متعددی که در ذیل می‌آید، به دام این مسأله گرفتار می‌آیند:

۱-۲- بعضی افراد تخصص کافی در قرآن و تفسیر آن ندارند و بدون داشتن شرایط یک مفسر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می‌کنند و این، یکی از مواردی است که افراد به دام تفسیر به رأی می‌افتند.

۲-۲- برخی افراد مغرض، ممکن است با استفاده از آیات ناظر به علوم مختلف، بخواهند نظریات خود را اثبات کنند که گاهی این نظریات، انحرافی و حتی الحادی است، ولی این کار را با استفاده از تفسیر علمی قرآن سامان می‌دهند

که موجب تحمیل نظرات بر قرآن می‌شود که از مصادیق بارز تفسیر به رأی است؛ برای مثال، کسانی سعی می‌کنند حقایق غیبی و ماورای طبیعی قرآن را به مسایل محسوس ربط بدهند و تا آن جا پیش می‌روند که می‌گویند: منظور قرآن از ملائکه، همان میکروب‌هاست که جان انسان‌ها را می‌گیرد.^{۱۳۸} و یا در جای دیگر، قابیل را حمل بر دو دوره‌ی جامعه‌ی بی‌طبقه و جامعه‌ی فئودالیزمی (ارباب و رعیتی) می‌کنند، تا با مراحل تکامل جامعه در مکتب مارکسیسم مطابقت کند.^{۱۳۹}

۲-۳- برخی افراد می‌خواهند همه علوم را از قرآن استخراج کنند (همانطور که در مورد غزالی گذشت) و در این رابطه هر مطلبی علمی را با قرآن تطبیق و گاهی تحمیل می‌کنند که موجب تفسیر به رأی می‌شود. در حالی که بیان شد، مبنای این دیدگاه مخدوش است.

۳. تفسیر علمی قرآن گاهی به تأویل غیر جایز منتهی می‌شود؛ چنانچه بعضی افراد برای تفسیر علمی قرآن، از حدود ظواهر الفاظ و آیات می‌گذرند و هر کدام از آیات را که با یک نظریه، یا قانون علمی (که مورد نظر آنهاست) منافات و تعارض دارد، تأویل می‌کنند تا بتوانند آن نظریه را، به قرآن نسبت دهند.^{۱۴۰} به عبارت دیگر نظریه‌های اثبات نشده علمی را به قرآن تحمیل می‌کنند که نوعی تغییر به رأی است.

نمونه‌ی جالب این نوع تأویلات، در مورد نظریه‌ی تکامل انواع داروین صورت گرفته است. یک نفر، کتابی می‌نویسد بپیش فرض پذیرش نظریه‌ی تکامل و هر آیه‌ای که موافق نظریه‌ی تکامل است، می‌آورد؛ سپس آیات مخالف را تأویل می‌کند و بر خلاف ظاهر آیات، آنها را با نظریه‌ی تکامل وفق می‌دهد و شخص دیگر، کتابی می‌نویسد با پیش فرض ردّ نظریه‌ی تکامل و آیات مخالف را می‌آورد؛ سپس آیات موافق نظریه تکامل را به نظر خود بر می‌گرداند و مرتکب

تأویل می‌گردد؛^{۱۴۱} و هر دو هم، نظر خود را به قرآن نسبت می‌دهند و گاهی بر آن اصرار می‌ورزند.

نمونه‌ی دیگر آن را در بحث «عرش» و «کرسی» و تأویل آن‌ها، به فلک هشتم و نهم می‌توان دید، چنانچه نمونه‌ی دیگر آن در تأویل قصه‌ی ابراهیم، حیات و مرگ جامعه‌ها در تفسیر المنار ملاحظه شد.^{۱۴۲} و شاید مقصود علامه طباطبایی نیز از «تطبیق» نامیدن تفسیر، همین تحمیل و تأویل آیات باشد.^{۱۴۳}

۴. تفسیر علمی قرآن و آوردن مطالب علمی زیاد، در لابه‌لای تفسیر قرآن، موجب می‌شود که مقصد اصلی آن که تربیت، تزکیه‌ی انسان و هدایت اوست، فراموش گردد؛ چنانچه پاره‌ای از تفسیرهای جدید (مثل طنطاوی) این گونه عمل کرده‌اند؛ بر این اساس، بهتر است از تفسیر علمی قرآن، چشم پوشی کرده و مقاصد اصلی را در تفسیر ذکر کنیم.

به عبارت دیگر، تفسیر علمی موجب سوء فهم، از ذات قرآن و وظیفه‌ی آن می‌شود (چون با بیان مطالب علمی قرآن، گاهی هدف اصلی آن که تربیت انسان است، فراموش می‌گردد) و گمان می‌شود که قرآن تنها برای بیان علوم آمده است.^{۱۴۴}

۵. تفسیر علمی موجب می‌شود که حقایق قرآنی مجاز شود و بلاغت آن مخدوش شود؛ یعنی معانی اصلی خود را از دست بدهد، (و قرآن بر اساس لغت عرب صدر اسلام معنا نشود)؛ پس تفسیر علمی صحیح نیست. دکتر ذهبی در این مورد می‌نویسد: «از نظر لغوی تفسیر علمی معقول نیست؛ زیرا الفاظ در طول قرون و اعصار، معنایشان تغییر می‌کند و معانی لغوی، شرعی و اصطلاحی، پدید می‌آید و بسیاری از این معانی جدید است که در صدر اسلام نبوده است، با این حال آیا می‌تواند معقول باشد خداوند که با همان الفاظ، این معانی را که نسل‌ها

بعد، پیدا شده اراده کرده باشد؟ این مطلب را کسی قبول نمی‌کند، مگر آن که عقل خود را انکار کند».^{۱۴۵}

آری اگر تفسیر علمی را بپذیریم، بلاغت قرآن، مخدوش می‌شود؛ زیرا بلاغت عبارت از مطابقت کلام با مقتضای حال است؛ در حالی که طبق تفسیر علمی باید بگوییم که خداوند، معانی و مفاهیمی را که از الفاظ قرآن، اراده کرده، عرب‌ها به آن معانی جاهل بوده‌اند و این موجب می‌شود که یکی از خصایص مهم قرآن (بلاغت و مراعات حال مخاطب) را از آن سلب کنیم.^{۱۴۶}

البته همانطور که در بیان دیدگاه‌های موافقان و قائلان به تفصیل علمی گذشت، این آسیب‌ها قابل پیشگیری است، چون اکثر اشکالات به دو گونه «استخراج علوم از فهم قرآن و تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن» وارد می‌شود، بنابراین اگر مفسر قرآن از گونه استخدام علوم قطعی تجربی در فهم قرآن استفاده کند، اکثر اشکالات و آسیب‌های فوق بر طرف می‌شود و همانطور که گذشت، تفسیر علمی مبانی و معیارهایی دارد که لازم است مفسر قرآن آنها را رعایت کند، که اگر بر طبق آنها تفسیر علمی صورت گیرد، برخی دیگر از آسیب‌ها برطرف می‌شود.

به عبارت دیگر استفاده از علوم قطعی تجربی، آسیب اول را بر طرف می‌سازد، و تفسیر علمی توسط مفسر دارای شرایط و استفاده از گونه صحیح تفسیر علمی آسیب دوم و سوم را برطرف می‌سازد، و رعایت اعتدال در استفاده از روش تفسیر علمی، آسیب چهارم را برطرف می‌سازد.

البته سوء استفاده از روش‌های تفسیری یا افراط و تفریط برخی مفسران در مورد روش خاص تفسیری مخصوص تفسیر علمی نیست و این آسیب کم و بیش

در بقیه روش‌های تفسیری نیز وجود دارد که با رعایت اعتدال و ضوابط تفسیر و مفسر، مشکل بر طرف یا کمتر می‌شود.

در هر صورت تفسیر علمی خلاف بلاغت قرآن نیست و موجب مجاز نمی‌شود چرا که قرآن برای یک زمان و مردم خاص نازل نشده است و الفاظ و مفاهیم قرآنی در هر عصری مصادیق جدیدی پیدا می‌کند؛ مثل واژه «عمد» در آیه «رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرْوَاهَا»^{۱۴۷} که به معنای ستون‌هاست ولی در طول زمان مصادیق متعددی مثل ستون خیمه و ستون‌های فولادی و نیروهای ستون مانند مثل نیروی جاذبه پیدا کرده است. بنابراین کشف مصادیق جدید آیات و تبیین‌های جدید دلیل عظمت قرآن و اوج بلاغت آن است که محصور در زندان زمان نیست. البته ممکن است برخی افراد بر خلاف معنای لغوی مطالب را بر قرآن تحمیل کنند که این خلاف لغت و بلاغت خواهد بود.

نتیجه

از مجموع مطالبی که گذشت، روشن شد که تفسیر علمی یکی از روش‌های تفسیر قرآن است که استفاده از آن برای فهم و تفسیر آیات علمی قرآن ضروری است، این روش تفسیری گونه‌های متعددی دارد که استخراج علوم از قرآن و تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن صحیح نیست؛ چون منتهی به تفسیر به رأی می‌شود؛ ولی استخدام علوم در فهم و تفسیر قرآن صحیح است. در ضمن روشن شد که تفسیر علمی امتیازات خاصی همچون فهم بهتر آیات علمی قرآن و اثبات اعجاز علمی را دارد؛ ولی آسیب‌هایی نیز داشته است که اگر آن معیارهای آن رعایت شود و از گونه صحیح تفسیر علمی (استخدام علوم قطعی تجربی در فهم قرآن) استفاده شود غالب آسیب‌ها برطرف می‌شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. نک: راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، المكتبة الرضويه، تهران، ۱۳۳۲ ش، طباطبائی، علامه سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۳ ق، ۲۰ ج، ج ۱، ص ۴، الطبرسی (امین الاسلام)، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، المكتبة الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ ق، ده جلدی، ج ۱، ص ۱۳ و ...
2. Exprimental sciences.
3. Natural sciences.
4. Humanltles.
۵. معرفت، محمد هادی، التفسیر والمفسرون فی ثوبه القشيب، الجامعة الرضوية للعلوم الاسلامیه، مشهد، ۱۴۲۶ ق، ج ۲، ص ۴۷۴.
۶. این تعریف را سید محمد ایازی در ایازی، سید محمد علی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴ ق، ص ۹۳ به نقل از مناهج تجدید، امین الخولی / ۲۸۷ آورده است.
7. Rotraud wielandt, Exegesis of the Quran: Early Moern and contemporary. In Encyclopedia of the Quran V: 2, PP. 124 – 141.
۸. عبدالرحمن العکک، شیخ خالد، اصول التفسیر وقواعده، بیروت، دارالفنانش، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۱۷.
۹. فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان، اتجاهات التفسیری القرن الرابع عشر، الرومی، عربستان سعودی، الطبعة الاولى، بی نا، ۱۴۰۷ ق، سه جلدی، ج ۲، ص ۵۴۹.
۱۰. تفسیر علمی قرآن، دکتر ناصر رفیعی محمدی، انتشارات جامعه المصطفی العالمیه، ۱۳۸۷ ش، ج ۱، ص ۱۴۰.
۱۱. برای توضیح بیشتر نک: رضایی اصفهانی، دکتر محمد علی، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶ ش، ۵۱۷ ص، ص ۲۷۴ و ۳۷۸.
۱۲. ۱۷ نفر مرد و تعداد اندکی زن سواد خواندن و نوشتن داشتن. (فتوح البلدان، بلاذری، به کوشش صلاح الدین المنجد، بی تا، بی جا، ج ۳، ص ۵۸۰)
۱۳. بقره / ۲۳.
۱۴. رعد / ۲ به بعد؛ یس / ۳۸ به بعد و
۱۵. زیدان، جرجی، تاریخ التمدن الاسلامی، بیروت، دارالمکتبة الحیاة، بی تا، دو جلد، ج ۲، ص ۱۵۳.
۱۶. بقره / ۲۹.
۱۷. البتّه در برخی احادیث أهل بیت (ع) نیز نکات علمی در تفسیر آیات قرآن آمده است. مثلاً در مورد تعداد ۳۶۰ مشرق و مغرب در معارج / ۴۰ (صدوق ابوجعفر، شیخ محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، معانی الاخبار، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری، ص ۲۲۱) و نام سیارات در تفسیر تکویر / ۱۶-۱۵ (الطبرسی (امین الاسلام)، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، المكتبة الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ ق، ده جلدی، ج ۱، ص ۶۷۷) و ... که یکی از موارد تفسیری اهل بیت (ع) بشمار می آید، ولی تفسیر علمی

- مصطلح نیست چون از یافته‌های علمی در تفسیر قرآن استفاده نشده است، بلکه اهل بیت(ع) اسرار علمی آیه را با کمک علم امامت بیان کرده‌اند که این جزیی از تفسیر روایی می‌شود.
۱۸. نک: ادامه همین مقاله، مبحث تاریخچه تفسیر علمی.
۱۹. نک: ادامه همین مقاله، تاریخچه تفسیر علمی.
۲۰. آقای راترود ویلانت، در مقاله تفسیر قرآن در دوره جدید و معاصر، به نمونه‌هایی از این موارد در تفسیرهای سید احمد خان هندی اشاره می‌کند که موجب تأویل و انکار معجزا مثل معراج قیامت و تفسیر «جن» به افراد بدوی جنگل نشین شد. (گروهی از مستشرقان لیدن، دایرة المعارف الاسلامیه، ۱۹۳۳، همان) و نیز جن به میکرب تفسیر گردید. (محمد عبده، تفسیر عم جزء، ص ۱۵۸)
۲۱. نک: المیزان، ج ۱، ص ۷-۸.
۲۲. حاقه/ ۱۷.
۲۳. نک: رسائل ابن سینا، چاپ هند، ۱۹۰۸ م (در کتابخانه‌ی آیت‌الله مرعشی نجفی در قم موجود است)، ص ۱۲۴-۱۲۵ چاپ هند ۱۹۰۸؛ التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی، ج ۲، ص ۴۲۶.
۲۴. غزالی، محمد، بن محمد، احیاء علوم الدین، دارالمعرفه، بیروت، ج ۱، ص ۲۸۹ (باب رابع از ابواب آداب تلاوت قرآن).
۲۵. غزالی، ابو حامد، بی تا، جواهر القرآن، المركز العربی للکتاب، بیروت - دمشق، فصل پنجم، ص ۲۶. بقره/ ۲۲.
۲۷. رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، ۱۴۱۱ ق، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۳۲ جلد، ج ۲، ص ۹۴.
۲۸. نک: التفسیر و المفسرون، دکتر ذهبی، ج ۲، ص ۴۷۸-۴۸۲ و ابوحجر، عمر، دکتر احمد، ۱۴۱۱ ق، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، دار قتیبه، بیروت - دمشق، ص ۱۵۹.
۲۹. مریم / ۳۰ - ۳۳.
۳۰. البحرانی، سید هاشم الحسینی، البرهان فی تفسیر القرآن، دار الکتب العلمیة، قم، پنج جلدی، ۱۳۳۴ ش، ج ۲، ص ۱۸۱.
۳۱. المنافقون / ۱۱.
۳۲. نک السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن ابی بکر، الإیتقان فی علوم القرآن، دار الفکر بیروت - لبنان، الطبعة الأولى، سنة الطبع: ۱۴۱۶ - ۱۹۹۶م، ج ۲، ص ۲۸۲-۲۷۱ و سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن ابی بکر، الاکلیل فی استنباط التنزیل، ۱۴۰۵ ق، ص ۲.
۳۳. در این مقطع زمانی ابواسحاق شاطبی (م ۷۹۰ ق) زندگی می‌کرده که از مخالفان تفسیر علمی شمرده شده است. دیدگاه‌های او را در بخش مخالفان تفسیر علمی ذکر خواهد شد.
۳۴. علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، بحارالانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار، مؤسسه الوفاء بیروت، لبنان، بی نو ۱۴۰۴ قمری، ج ۵۷، ص ۵.
۳۵. صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم، انتشارات بیدار الطبعة الثالثة تا ۱۳۶۶ ش، هفت جلدی، ج ۲، ص ۲۸۹ - ۲۹۳.
۳۶. سبزواری، ملاهادی، شرح منظومه، قم، انتشارات علامه، چاپ ششم، ۱۴۶۹ ش، ۳۷۰ ص، ص ۲۶۹ (قسمت فلسفه)

۳۷. سید عبدالرحمن کواکبی، طبایع الاستبداد و مصارع الاستعباد، بی تا، بی جا، ص ۴۳-۴۶.
۳۸. خرمشاهی، بهاءالدین، تفسیر و تفاسیر جدید، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۴ ش، صص ۵۹ - ۷۱؛ حلبی، علی اصغر، تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر، تهران، انتشارات بهبهانی، ۱۳۷۱ ش، ص ۱۴۳-۱۴۶.
۳۹. بقره / ۶۷ - ۷۲.
۴۰. جوهری، طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی، ج ۱، ص ۸۴ - ۸۹.
۴۱. زخرف - ۱۰.
۴۲. شهرستانی، سید هبة الدین، اسلام و هیئت، مطبعة الغزري في النجف، بی تا، ترجمه خرمشاهی، ص ۱۱۰.
۴۳. همان.
۴۴. کلام ایشان در تعریف تفسیر علمی گذشت. (نک: المیزان، ج ۱، ص ۷)
۴۵. ما در کتاب « رضایی اصفهانی، دکتر محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰ ش » (انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰ ش) که در دو مجلد چاپ شد ادعاهای اعجاز علمی را در حدود ۳۰۰ آیهی قرآن را مورد بررسی قرار دادیم و شش مورد را پذیرفتیم و بقیه را رد کردیم.
۴۶. مثال‌ها و نمونه های آنان گذشت.
۴۷. نمونه‌های مطالب این افراد گذشت.
۴۸. حسب النبی، دکتر منصور محمد، القرآن و العلم الحديث، ۱۹۹۱ م، الهيئة المصرية العامة للكتاب، مصر، ص ۱۵۶.
۴۹. المنار، ج ۲، ص ۴۵۸.
۵۰. همان، ج ۱، ص ۵۵.
۵۱. کلام ایشان در تعریف تفسیر علمی گذشت (نک: المیزان، ج ۱، ص ۷).
۵۲. التفسیر والمفسرون، ج ۲، ص ۴۵۸، به نقل از شاطبی، الموافقات في اصول الشريعة: تحقیق: عبدالله دراز، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفه ۱۹۹۴ م، ج ۲، ص ۶۹-۷۶ (باتلخیص).
۵۳. همان منبع، ص ۴۸۸ (با تلخیص).
۵۴. نحل / ۸۹.
۵۵. انعام / ۳۸.
۵۶. همان منبع، ص ۴۸۹.
۵۷. شماره‌های ۴۰۷ و ۴۰۸، مجله‌ی الرسالة، سال ۱۹۴۱ میلادی به نقل از ابو حجر، عمر، دکتر احمد، ۱۴۱۱ ق، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، دار قتیبه، بیروت - دمشق، ص ۲۹۹-۳۰۲، تألیف احمد عمر ابو حجر (چاپ دار القتیبه).
۵۸. التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۹۱-۴۹۴، چاپ دوم، سال ۱۹۷۶ م (چاپ دار الکتب الحدیث، با تلخیص، ترجمه و تصرف در عبارات).
۵۹. التفسیر العلمی فی المیزان، ص ۲۹۷ به بعد.

۶۰. سید قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت داراحیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة، ۱۳۸۶ ق، ج ۱، ص ۲۶۰.
۶۱. مؤنون / ۱۲.
۶۲. فرقان / ۲.
۶۳. نک: فی ظلال القرآن، ج ۱، ص ۲۶۱ - ۲۶۳.
۶۴. عبدالعزیز اسماعیل، الاسلام و الطب الحدیث، با مقدمه‌ی محمدمصطفی مراغی، با مقدمه‌ی شیخ مراغی، ص ۵، به نقل از التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۵۱۹.
۶۵. لقمان / ۱۰.
۶۶. التفسیر العلمی فی المیزان، ص ۲۳۱.
۶۷. التفسیر العلمی فی المیزان، ص ۱۱۳ (چاپ اول ۱۹۹۱ م ۱۴۱۱ قمری، دارالقتیبه، بیروت).
۶۸. همان منبع، ص ۱۱۸.
۶۹. المیزان، ج ۱، ص ۷ - ۸، باتلخیص و ترجمه.
۷۰. انبیاء / ۳۰.
۷۱. المیزان، ج ۱۴، ص ۲۷۹ (چاپ اسماعیلیان).
۷۲. ذاریات / ۴۷.
۷۳. المیزان، ج ۱۸، ص ۳۸۲.
۷۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الإسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ ش، ج اول، ص ۱، ص ۱۳۱؛ ج ۱۱، ص ۴۱۰؛ ج ۱۲، ص ۲۷۵؛ ج ۱۵، ص ۵۶۸.
۷۵. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر به رأی، قم، مطبوعاتی هدف، چاپ هفتم، ۱۳۶۷ ش، ص ۶۹ - ۷۹.
۷۶. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن؛ قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۷۹ ش، جلد اول (مقدمه‌ای در روش تفسیر موضوعی و روش‌های تفسیر قرآن)، پیش شماره، ص ۴۸ (انتشارات دارالقرآن کریم قم).
۷۷. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، چاپ دوم، قم، مرکز مدیریت حوزه، ۱۴۰۸ ق، ج ۶، ص ۳۱ به بعد.
۷۸. رضایی اصفهانی، دکتر محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶ ش، ۵۱۷ ص، ص ۳۴۰.
۷۹. سبحانی، جعفر، تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق (ع)، انتشارات توحید، ۱۳۷۱ ش، ص ۳۱۵.
۸۰. سبحانی، جعفر، برهان رسالت، انتشارات کتابخانه‌ی صدر، تهران، ۱۳۹۸ ق، ص ۲۵۳-۲۸۳ (چاپ انتشارات کتابخانه صدر تهران ۱۳۹۸ هـ. ق).
۸۱. دیدگاه‌های این گروه در مبحث تاریخچه گذشت.
۸۲. شعراء / ۸۰.
۸۳. ابوحامد غزالی، جواهر القرآن، ص ۲۷، فصل پنجم.
۸۴. التفسیر و المفسرون، ج ۲، ص ۴۸۱، به نقل از ابن ابی الفضل مرسی.
۸۵. البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، صص ۱۸۱ - ۱۸۲.

۸۶. ر.ک: التفسیر و المفسرون، ج ۲، صص ۴۵۴ تا ۴۹۵.
۸۷. حسب النبی، دکتر منصور محمد، القرآن و العلم الحدیث، ۱۹۹۱ م، الهيئة المصرية العامة للكتاب، مصر، ص ۱۵۶.
۸۸. ر.ک: مقدمه‌ی تفسیر المیزان، ج ۱، ص ۶ به بعد.
۸۹. یس / ۳۸.
۹۰. اوبلاکر، دکتر اریک، فیزیک نوین، ترجمه‌ی بهروز بیضایی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش، صص ۴۵ - ۴۸.
۹۱. همان، صص ۴۵ - ۴۸.
۹۲. برای اطلاع از مثال‌های بیشتر: نک: رضائی اصفهانی، محمدعلی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن و رضایی اصفهانی، دکتر محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶ ش، ۵۱۷ ص.
۹۳. نک: تفاسیر قرآن ذیل آیه ۲۹ / شوری مثل نمونه، جوهری، طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳جلدی و الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد الله مبشری، قرآن و علم امروز، ۱۳۶۲ ش، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران.
۹۴. نک: هاو کینگ، ویلیام استفن، ۱۳۷۲ ش، تاریخچه‌ی زمان، ترجمه حبیب الله داد فرما - زهره داد فرما، انتشارات کیهان، تهران، چاپ دوم. ص ۵۸.
۹۵. نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۴۲ به بعد.
۹۶. نک: مرادی، ایمان راز آسمان‌های هفت‌گانه، اصفهان، معاونت فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۷۳ ش، بهبودی، محمد باقر، هفت آسمان، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه، ۱۰۶ ص. و پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، ج ۱، ص ۱۲۶ به بعد.
۹۷. نک: سبحانی، ید الله، ۱۳۵۱ ش، خلقت انسان در بیان قرآن، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم، در اثبات تکامل، و مهاجری، مسیح، ۱۳۶۳ ش، نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران در ردّ تکامل.
۹۸. نک: تکامل در قرآن، علی مشکینی؛ پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، دکتر محمدعلی رضائی اصفهانی، جلد دوم و ...
۹۹. در این موارد نک: نجاتی، محمد عثمان، قرآن و روانشناسی، ترجمه عباس عرب، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۷ ش، ۳۸۰ ص، مبانی اقتصادی اسلامی، قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش، نظام سیاسی اسلام، نوروزی، مدیریت اسلامی، محمد حسن نبوی و ...
۱۰۰. در این مورد اشکالات متعددی به نحوه‌ی استقرار ناقص علوم شده است و پاسخ‌هایی نیز داده شده است. (نک: مبانی فلسفه، دکتر علی اکبر سیاسی، ص ۲۱۰-۲۴۴؛ علم و دین، ایان باربور، ترجمه‌ی خرمشاهی، ص ۳ و صص ۲۱۳-۲۱۴؛ صدر، سید حسن، الاسس المنطقیه للاستقراء، بیروت، دارالمتعارف للمطبوعات الطبعة الرابعة، ۱۴۰۲ ق، ۴۷۹ ص، ص ۱۳۵ و ص ۳۸۳-۴۰۰؛ درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، نگارنده، صص ۱۸۵-۲۰۰).

۱۰۱. این دیدگاه پوپر (متوفی - ۱۳۷۳ش) است، نک: حدسها و ابطالها و پوپر، کارل، منطق اکتشافات علمی، ترجمه‌ی احمد آرام؛ در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، از نگارنده، صص ۲۰۰ - ۲۰۴.
۱۰۲. همچون نظریه‌ی بطلمیوسی (ptolemaos - قرن دوم میلادی) در مورد این که زمین مرکز جهان است و خورشید و ستارگان در هفت فلک به دور آن می‌چرخند. این نظریه حدود چهارده قرن بر فکر بشر سایه افکنده بود. سپس توسط کپلر و کپرنیک و گالیله دگرگون شد و دیدگاه کنونی (یعنی حرکت زمین به دور خورشید) جای آن را گرفت.
۱۰۳. الحبال، محمد چمپل و مقداد مرعی الجوارى، العلوم فی القرآن، بی‌تا، بی‌جا، صص ۳۵ - ۳۶.
۱۰۴. نک: غاشیه / ۱۷ و نحل / ۵ - ۱۴ و...
۱۰۵. نحل / ۸۹.
۱۰۶. اولین بار فیثاغورث سپس فلوته خوس‌وار شمیدس به حرکت زمین معتقد شدند (شهرستانی، سید هبة الدین، اسلام و هیئت، مطبعة الغري في النجف، بی‌تا، صص ۴۴.
۱۰۷. یس / ۳۶.
۱۰۸. رعد / ۲ و لقمان / ۱۰.
۱۰۹. یس / ۳۸.
۱۱۰. حج / ۵، مومنون / ۱۲ - ۱۴.
۱۱۱. حجر / ۲۲.
۱۱۲. نحل / ۸۹.
۱۱۳. برخی از مفسران تصریح کرده‌اند که مقصود آیه ۸۹ / نحل بیان مسائل هدایتی است از جمله: المیزان، ج ۱۴، صص ۳۲۵؛ مجمع البیان، ج ۴، صص ۲۹۸؛ کشاف، ج ۲، صص ۲۱ و ۳۱.
۱۱۴. در این مورد ذیل مباحث آینده همین مقاله مطالب تکمیلی بیان می‌شود.
۱۱۵. زمر / ۹، فاطر / ۲۸، مجادله / ۱۱ و...
۱۱۶. نک: بقره / ۲ و ۹۷ و ۱۸۵، آل عمران / ۱۳۸، اعراف / ۲۰۳، یونس / ۵۷ و...
۱۱۷. ابراهیم / ۱.
۱۱۸. نک: رعد / ۲ - ۴.
۱۱۹. نک: حج / ۵.
۱۲۰. ر. ک: سیوطی، جلال الدین، السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن ابی‌بکر، الإیتقان فی علوم القرآن، دار الفکر بیروت - لبنان، الطبعة الأولى، سنة الطبع: ۱۴۱۶ - ۱۹۹۶م، و نگارنده در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، صص ۵۳-۷۴.
۱۲۱. همان.
۱۲۲. در قضایای علمی چند احتمال وجود دارد: الف) قضیه‌ی علمی که یقین مطابق واقع می‌آورد؛ چرا که تجربه علمی همراه با دلیل عقلی است (و به مرحله‌ی بداهت رسیده باشد). ب) قضیه‌ی علمی یقین به معنای اعم می‌آورد؛ یعنی اطمینان حاصل می‌شود، ولی احتمال طرف مقابل به صفر نمی‌رسد، چنانچه بیشتر قضایای اثبات شده‌ی علوم تجربی این گونه است. ج) قضیه‌ی علمی، به صورت تئوری یا نظریه‌ی ظنی باشد که هنوز به مرحله‌ی اثبات نرسیده است. بنابراین در صورت نخست (الف) تفسیر علمی جایز است؛ زیرا قرآن و علم قطعی (که به قطع عقلی برمی‌گردد) تعارضی ندارد، بلکه قراین

قطعی «نقلی، عقلی و عملی» برای تفسیر قرآن لازم است. بنابر این، در صورت دوم (ب) تفسیر علمی، اگر به صورت احتمال ذکر شود، صحیح به نظر می‌رسد. برای مثال گفته شود: چون ظاهر قرآن، با حرکت انتقالی خورشید، مطابق است به احتمال قوی منظور قرآن، همین حرکت است. و در صورت سوم (ج) هم تفسیر علمی صحیح است؛ زیرا همان اشکالاتی را پدید می‌آورد که مخالفان تفسیر علمی می‌گفتند؛ مانند انطباق قرآن با علوم متغیر، شک کردن مردم در صحت قرآن و...
۱۲۳. مضمون این معیار را آیت الله مکارم شیرازی در کتاب قرآن و آخرین پیامبر، تهران دارالکتاب الاسلامیه، چاپ دوم، ۳۴۱ ص، ۱۴۷ آورده‌اند و در کلمات بسیاری از قایلان به تفسیر هم وجود داشت.

۱۲۴. همان. و نیز عبدالرحمن العک، اصول التفسیر و قواعد، ص ۲۲۴؛ عمید زنجانی، عباس علی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن؛ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۶۶ ش، ۱ جلد، ۳۴۳ ص، ص ۲۵۶.

۱۲۵. عبدالرحمن العک، اصول التفسیر و قواعد، ص ۲۲۴.

۱۲۶. الحبال، محمد جمیل و مقداد مرعی الجواری، العلوم فی القرآن، ص ۳۵ - ۳۶.

۱۲۷. بقره / ۲۱۹.

۱۲۸. نک: معرفت، محمدهادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، ج ۲، ص ۴۴۳.

۱۲۹. یس / ۳۶.

۱۳۰. رعد / ۲؛ لقمان / ۱۰.

۱۳۱. یس / ۳۸.

۱۳۲. بقره / ۲۱۹.

۱۳۳. حج / ۵؛ مؤمنون / ۱۴-۱۲.

۱۳۴. حجر / ۲۲.

۱۳۵. نک: پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، از نگارنده.

۱۳۶. راترود ویلانت، مقاله تفسیر قرآن در دوره جدید و معاصر، دائرة المعارف قرآن لیدن (پیشین)

۱۳۷. The Bible the Quran and Science. Maurice Bucaille این کتاب چند بار به

فارسی و به عربی ترجمه شده است. نام ترجمه‌های فارسی و عربی آن به این قرار است:

۱۳۸. ۱ - حسن حبیبی؛ عهدین، قرن و علم، انتشارات سلمان، ۱۳۵۷

۱۳۹. ۲ - ذبیح الله دبیر؛ مقایسه‌ای میان تورات، انجیل و قرآن و علم، انتشارات فرهنگی و اسلامی،

۱۳۶۵؛

۱۴۰. ۳- التوراة و الإنجیل و القرآن و العلم الحديث؛ - دراسة الكتب المدرسة في ضوء المعارف الحديثة.

۱۴۱. دکتر ذهبی، التفسیر و المفسرون، ج ۲، صص ۴۹۱-۴۹۴.

۱۴۲. التفسیر العلمی فی المیزان، احمد عمر ابوالحجر، ص ۲۲۸ (به نقل از دروس سنن کائنات، ص

۴۵۱).

۱۴۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر به رأی، ص ۷۸.

۱۴۴. البته این گونه تأویل‌های غیر جایز، تحمیل بر قرآن و نوعی تفسیر به رأی است.

۱۴۵. برای اطلاع بیشتر، رک: مسیح مهاجری، نظریه‌ی تکامل از دیدگاه قرآن؛ علی مشکینی، تکامل در قرآن؛ سبحانی، ید الله، ۱۳۵۱ ش، خلقت انسان در بیان قرآن، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم..

۱۴۶. میحث دیدگاه‌ها به نظریه‌ی بوعلی سینا، علامه مجلسی و رشید رضا در المنار، مراجعه شود.

۱۴۷. المیزان، ج ۱، ص ۶.

۱۴۸. تفسیر فی ظلال القرآن، ج ۱، صص ۲۶۱-۲۶۳ (با تصرّف در عبارات).

۱۴۹. التفسیر و المفسرون، ج ۲، صص ۴۹۱-۴۹۴ (با تلخیص و تصرّف در عبارات).

۱۵۰. همان.

۱۵۱. رعد / ۲.

فهرست منابع

- ابوحجر، عمر، دکتر احمد، ۱۴۱۱ ق، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، دار قتیبه، بیروت - دمشق.
 اوبلاکر، دکتر اریک، فیزیک نوین، ترجمه‌ی بهروز بیضایی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش.
 یاززی، سید محمد علی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
- البحرانی، سید هاشم الحسینی، البرهان فی تفسیر القرآن، دار الکتب العلمیة، قم، پنج جلدی، ۱۳۳۴ ش.
 پوپر، کارل، منطق اکتشافات علمی، ترجمه‌ی احمد آرام.
 جوهری، طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن، بی جا، دارالفکر، بی تا، ۱۳ جلدی.
 حسب النبی، دکتر منصور محمد، القرآن و العلم الحدیث، ۱۹۹۱ م، هیئة المصریة العامة للکتاب، مصر.
 حسن حبیبی، مترجم، «عهدین، قرآن و علم» انتشارات سلمان، ۱۳۷۵ ش، تهران.
 حلبی، علی اصغر، تاریخ نهضت‌های دینی سیاسی معاصر، تهران، انتشارات بهبهانی، ۱۳۷۱ ش.
 خرمشاهی، بهاء‌الدین، تفسیر و تفاسیر جدید، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۴ ش.
 الخطیب، عبدالغنی، ترجمه دکتر اسد الله مبشری، قرآن و علم امروز، ۱۳۶۲ ش، مؤسسه مطبوعاتی عطائی، تهران.
- الذهبی، محمد حسین، التفسیر والمفسرون، ۱۳۹۶ ق، دار الکتب الحدیثیة، بی جا، الطبعة الحدیثیة، دو جلدی.
 رازی، فخرالدین، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، ۱۴۱۱ ق، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۳۲ جلد.
 راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، المکتبه الرضویة، تهران، ۱۳۳۲ ش.
 رسائل ابن سینا، چاپ هند، ۱۹۰۸ م (در کتاب‌خانه‌ی آیت‌الله مرعشی نجفی در قم موجود است).
 رضایی اصفهانی، دکتر محمد علی، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات کتاب مبین، ۱۳۸۰ ش.
 رضایی اصفهانی، دکتر محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۷۶ ش، ۵۱۷ ص.
- زیدان، جرجی، تاریخ التمدن الاسلامی، بیروت، دارالمکتبه الحیة، بی تا، دو جلد.
 سبحانی، جعفر، برهان رسالت، انتشارات کتابخانه‌ی صدر، تهران، ۱۳۹۸ ق.
 سبحانی، جعفر، تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، تنظیم سید هادی خسرو شاهی، قم، مؤسسه‌ی امام صادق (ع)، انتشارات توحید، ۱۳۷۱ ش.
- سبحانی، ید الله، ۱۳۵۱ ش، خلقت انسان در بیان قرآن، شرکت سهامی انتشارات، تهران چاپ سوم.
 سبزواری، ملاهادی، شرح منظومه، قم، انتشارات علامه، چاپ ششم، ۱۴۶۹ ش، ۳۷۰ ص.
 سر فرازی، عباسعلی، ۱۳۶۴ ش، رابطه علم و دین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
 سید قطب، فی ظلال القرآن، دار احیاء التراث العربی، بیروت الطبعة الخامسة، هشت جلدی، ۱۳۸۶ ق.
 سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن ابی بکر، الاکلیل فی استنباط التنزیل، ۱۴۰۵ ق.
 السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن ابی بکر، الإیتقان فی علوم القرآن، دار الفکر بیروت - لبنان، الطبعة: الأولى، سنة الطبع: ۱۴۱۶ - ۱۹۹۶ م.
 شاطبی، الموافقات فی اصول الشریعة: تحقیق: عبدالله دراز، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفه ۱۹۹۴ م.
 شهرستانی، سید هبة الدین، اسلام و هیئت، مطبعة الغزوي في النجف، بی تا.

- صدر، سید حسن، الاسس المنطقیه للاستقراء، بیروت، دارالمتعارف للمطبوعات الطبعة الرابعة ۱۴۰۲ ق، ۴۷۹ ص.
- صدوق ابوجعفر، شیخ محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی، معانی الاخبار، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه قم، ۱۳۶۱ قمری.
- طباطبایی، علامه سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، قم، ۱۳۹۳ ق، ج ۲۰.
- الطبرسی (امین الاسلام)، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، المکتبه الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ ق، ده جلدی.
- عبدالرحمن العک، شیخ خالد، اصول التفسیر وقواعده، بیروت، دارالنفائس، الطبعة الثالثة، ۱۴۱۴ ق.
- عبدالعزیز اسماعیل، الاسلام و الطب الحديث، با مقدمه‌ی محمد مصطفی مراغی.
- علامه مجلسی، (مجلسی دوم) محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار: مؤسسه الوفاء بیروت، لبنان، بی نو ۱۴۰۴ قمری.
- غزالی، ابو حامد، بی تا، جواهر القرآن، المركز العربی للكتاب، بیروت - دمشق.
- غزالی، محمد، بن محمد، احیاء علوم الدین، دارالمعرفه، بیروت.
- فهد بن عبدالرحمن بن سلیمان، اتجاهات التفسیری القرن الرابع عشر، الرومی، عربستان سعودی، الطبعة الاولى، بی تا، ۱۴۰۷ ق، سه جلدی.
- گروهی از مستشرقان لیدن، دایرة المعارف الاسلامیه، ۱۹۳۳.
- مشکینی اردبیلی، آیت الله علی، ترجمه حسینی نژاد، تکامل در قرآن، بی تا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، چاپ دوم، قم، مرکز مدیریت حوزه، ۱۴۰۸ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴ ش، ج اول.
- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن؛ قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۷۹ ش، جلد اول (مقدمه‌ای در روش تفسیر موضوعی و روش‌های تفسیر قرآن).
- مکارم شیرازی، ناصر، قرآن و آخرین پیامبر، تهران دارالکتاب الاسلامیه، چاپ دوم، ۳۴۱ ص.
- مهاجرى، مسیح، ۱۳۶۳ ش، نظریه تکامل از دیدگاه قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
- بلاذری، فتوح البلدان، به کوشش صلاح الدین المنجد، بی تا، بی جا.
- صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم، انتشارات بیدار الطبعة الثالثة تا ۱۳۶۶ ش، هفت جلدی.
- سید عبدالرحمن کواکبی، طبایع الاستبداد و مصارع الاستعباد، بی تا، بی جا.
- سید قطب، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت داراحیاء التراث العربی، الطبعة الخامسة، ۱۳۸۶ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر به رأی، قم، مطبوعاتی هدف، چاپ هفتم، ۱۳۶۷ ش.
- هاوکینگ، ویلیام استفن، ۱۳۷۲ ش، تاریخچه زمان، ترجمه حبیب الله داد فرما - زهره داد فرما، انتشارات کیهان، تهران، چاپ دوم.
- بهبودی، محمد باقر، هفت آسمان، تهران، کتابخانه مسجد جعفری قیطریه، ۱۰۶ ص.

مرادی، ایمان راز آسمان‌های هفت‌گانه، اصفهان، معاونت فرهنگی دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۳۷۳ ش،
 نجاتی، محمد عثمان، قرآن و روانشناسی، ترجمه عباس عرب، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان
 قدس رضوی، ۱۳۶۷ ش، ۳۸۰ ص.
 مبانی اقتصادی اسلامی، قم، دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۷۱ ش.
 الحبال، محمد جمیل و مقداد مرعی الجواری، العلوم فی القرآن، بی‌تا، بی‌جا
 عمید زنجانی، عباس‌علی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن؛ تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول،
 ۱۳۶۶ ش، ۱ جلد، ۳۴۳ ص.

یادداشت شناسه مؤلف

دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی، عضو هیأت علمی جامعه المصطفی و العالمية و پژوهشگر گروه فقه
 پزشکی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
 Rezaee@Quransc.com